

اخلاق اقتصادی در آموزه ها و عملکرد دولت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

سید محمد حسن مصطفوی *

چکیده

فساد، اعتماد سرمایه گذاران را سلب می کند، صاحبان مؤسسات را در تولید به تحمل مخاطره و هزینه بیشتر وامی دارد، اعتبار کشور را تنزل می دهد، قابلیت اعتماد صاحبان حرف و مشاغل و دولت را به میزان زیادی از بین می برد و جامعه عزت نفس و اطمینان به حکومت قانون و نهادهای دولتی را از دست می دهد. کاهش سرمایه گذاری های داخلی و خارجی ناشی از فساد، مانع پیشرفت اقتصادی و سبب بروز مشکلات اجتماعی عدیده می شود.

ظهور فساد و رانت مساله تازه ای در اقتصاد ایران نیست. اقتصاد ایران در قبل و بعد از انقلاب همواره شاهد این پدیده بوده است. افرادی که مسبب اصلی این مساله اند، ارتباط تنگاتنگی با ساخت قدرت در کشور دارند. البته ارتباط افراد با ساخت قدرت به تنهایی نمی تواند شرط لازم و کافی این پدیده در کشور باشد. ظهور این افراد در ساخت اقتصادی کشور علل گوناگونی دارد و بعضاً ممکن است آن را با برخی استدلال ها توجیه کنند. در مکتب کارآمدی فساد، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادهای در کشورهای در حال توسعه، فساد را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات تلقی می کنند. در دهه های اخیر، برخی فساد مالی را تسهیل کننده توسعه می دانستند و مدعی بودند که راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر غیر اثر بخش است؛ که در مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

در حالی که از نظر پیشوایان دینی، اگر فساد مالی در جامعه سیطره یابد، وحدت جامعه که پشتوانه حکومت دینی است، از بین می رود و اخلاق اجتماعی و فردی و ریشه های اعتماد در هم می ریزد و تضاد اجتماعی جایگزین وحدت می شود. و اسلام با قدرت و با استفاده از اهرم های مادی و معنوی با آن مبارزه می کند و بر مردم، جامعه و حکومت اسلامی نیز در انجام این مهم تکلیف کرده است. با این حال، در رتبه بندی ادراک فساد سازمان شفافیت بین المللی، ج.ا.ایران جزو ۱۸ درصد قعر جدول قرار گرفته و به عبارت دیگر، ۸۲ درصد از ۱۸۱ کشور که مورد مطالعه قرار گرفته اند، در این شاخص وضعیتی برتر از کشورمان داشته اند!

مقاله حاضر که با استفاده از داده های کتابخانه ای و اسنادی و به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته، به «اخلاق اقتصادی در آموزه ها و عملکرد دولت اسلامی و مروری بر فعالیت های مرتبط در ج.ا.ایران با تأکید بر فساد مالی» پرداخته و نشان داده که فساد، علاوه بر اقتصاد، دیگر عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز به شدت تحت تأثیرات منفی خود قرار می دهد و در پایان، پیشنهادهای برگرفته از آموزه ها و عملکرد دولت اسلامی و نیز یافته های مقاله ارائه شده است.

واژگان کلیدی: جرم، فساد مالی و اقتصادی، رانت جویی، اختلاس، رشوه، آموزه های اسلامی، عملکرد دولت اسلامی

طبقه بندی JEL: Z12, E69

مقدمه

یکی از اهداف اولیه دولت‌ها، برقراری انضباط اجتماعی و مالی است. توجه خاص به این هدف در پایداری زیرساخت‌های اساسی هر حکومتی و مشروعیت و مقبولیت بخشیدن به آن تأثیر بسزایی دارد. در عوض، کوتاهی دولتمردان در تحقق این هدف، باعث تضعیف آنها شده و زمینه تضعیف و به تبع آن براندازی حکومت‌ها را فراهم می‌سازد. از این رو، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه بی‌انضباطی اجتماعی و مالی از مجریان دولتی ناشی شود، حقوق و منافع عموم جامعه تحت تأثیر قرار گرفته و آسیب‌های جدی‌تری بر پایه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و حکومت وارد خواهد شد.

فساد، اعتماد سرمایه‌گذاران را سلب می‌کند، صاحبان مؤسسات را در تولید به تحمل مخاطره و هزینه بیشتر وامی‌دارد، اعتبار کشور را تنزل می‌دهد، قابلیت اعتماد صاحبان حرف و مشاغل و دولت را به میزان زیادی از بین می‌برد و جامعه عزت نفس و اطمینان به حکومت قانون و نهادهای دولتی را از دست می‌دهد. کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی ناشی از فساد، مانع پیشرفت اقتصادی و سبب بروز مشکلات اجتماعی عدیده می‌شود (ر. ک: رهبر و همکاران، ۱۳۸۱).

فساد مالی عموماً به سوء استفاده از قدرت عمومی برای دستیابی به منافع شخصی تعبیر می‌شود. ادبیات نظری دیدگاه دوگانه‌ای درباره فساد و رشد آرایه می‌نماید. گروهی معتقدند که فساد از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف ناپذیر، به افزایش می‌انجامد و گروه دیگری فساد را نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و موجب کاهش رشد می‌شود (صباحی و همکار، ۱۳۸۸). ظهور فساد و رانت مساله تازه‌ای در اقتصاد ایران نیست. اقتصاد ایران در قبل و بعد از انقلاب همواره شاهد این پدیده شوم بوده است. افرادی که مسبب اصلی این مساله اند، ارتباط تنگاتنگی با ساخت قدرت در کشور دارند. البته ارتباط افراد با ساخت قدرت به تنهایی نمی‌تواند عامل این اتفاق در کشور باشد. ظهور این افراد در ساخت اقتصادی کشور علل گوناگونی دارد (تاجگردون، ۱۳۹۲) که در مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

این مقاله با داده‌های کتابخانه‌ای - اسنادی و با روش توصیفی - تحلیلی، بعد از مقدمه به مباحث زیر می‌پردازد: ادبیات موضوع، سابقه مطالعات جرم و فساد مالی، ملاحظات نظری، ابزارهای فساد مالی و اقتصادی، سطح، شدت و درجه‌بندی فساد، انواع فساد مالی، آثار و پیامدهای فساد مالی، وضعیت کشورهای جهان و ایران از نظر فساد، ریشه‌ها و انگیزه‌های فساد

مالی و اقتصادی با تأکید بر ایران، فساد مالی از دیدگاه اسلام، پیامدهای فساد مالی از نظر اسلام، راه حل های مبارزه با فساد مالی از دیدگاه اسلام، جمع بندی و سخن پایانی و در پایان، راه حل های کاهش فساد مالی برگرفته از یافته های مقاله.

۱. ادبیات موضوع

جرم: دانشمندان، تعاریف گوناگونی از جرم ارائه نموده‌اند ولی تاکنون تعریف جامع مورد قبول همگان، از آن به عمل نیامده است (دانش، ۱۳۷۶)؛ اما برخی از حقوقدانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می شود (علی آبادی، ۱۳۴۳). اگرچه تئوریسین‌های بزرگ جنایی نیمه دوم سده هیجدهم «بکاریا» و «بنتام» به سودمندی جرایم معتقد بودند.

تعریف جرم در قوانین کیفری کشورهایی که اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به منظور حفظ آزادی فردی پذیرفته‌اند، متفاوت است. در جمهوری اسلامی ایران، طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی - مصوب سال ۱۳۷۰ - هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود.

در سوئیس کسی را نمی توان مجازات کرد، مگر اینکه عملی را که مطابق قانون برای آن مجازات تعیین شده مرتکب شود.^۱ در مجموعه قوانین کیفری فرانسه، تعریفی از جرم به عمل نیامده، فقط به ذکر نوع جرایم با توجه به مجازات آنها اکتفا شده است.^۲ در قوانین کیفری اکثر کشورهای سوسیالیستی جرم تعریف نشده و اطلاق حالت خطرناک به افراد به معنای وسیع پذیرفته شده است. تفسیر جرم و حیطه اطلاق حالت خطرناک بسیار وسیع بوده و حدود اصل قانونی بودن مجازات برای حفظ آزادی فردی مشخص نیست (صادقی، ۱۳۸۹) که یکی از دلایل ناراضی تراشی در آن کشورها بوده است.

فساد مالی: با توجه به گستردگی پدیده فساد مالی مانند جرم، ارائه تعریفی جامع که برای تمام ملت‌ها به طور یکسان پذیرفته شده باشد، بسیار مشکل و تقریباً غیرممکن و به

۱. ماده ۱ قانون جزای سوئیس مصوب اول اکتبر ۱۹۷۶.

۲. ماده ۱-۱۳۱ تا ۱۸-۱۳۱ مجموعه قوانین کیفری فرانسه مصوب ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۳ که از اول مارس ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذاشته شده است.

همین دلیل، تعاریف گوناگونی در سطح ملی و بین‌المللی از طرف صاحب‌نظران درباره فساد ارائه شده است.

در عربی، کلمه «فساد» از ریشه «فسد» بوده که به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با عنوان «Corruption» و ریشه لاتینی «Rumpere» مطرح می‌شود که به معنای شکستن و نقض کردن است، و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد (تانزی، ۱۳۷۸). بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد. در فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: تباهی، به ستم مال کسی را گرفتن، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و فتنه و آشوب ذکر شده است.

از دید منتسکیو «فساد یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند. از نظر وی در حکومت مشروطه نیازی به روی آوردن به فساد نیست. اما در حکومت استبدادی که شرافت و تقوی وجود ندارد، نمی‌توان به انجام هیچ کاری بدون استفاده مفسدانه امید داشت» (زاهدی، ۱۳۷۵).

همچنین فساد مالی عبارت است از «سوء استفاده از قدرت، اختیارات و قوانین که منافع و سود شخصی برای افراد یا گروهی خاص فراهم می‌کند». طبق این تعریف، فساد مالی درست در نقطه تلاقی بین بخش عمومی و بخش خصوصی صورت می‌گیرد. طبق این تعریف، اعمال و رفتار منفعت‌جویانه کسانی که نمایندگی بخش عمومی را بر عهده دارند و از قدرت و اختیارات دولتی نیز برخوردارند و از این اختیارات و قدرت دولتی برای مقاصد شخصی، خانوادگی و گروهی استفاده می‌کنند، فساد تلقی می‌شود. و نیز هر نوع تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی است که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی، و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر و به عبارت دیگر، فساد مالی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است.

تجربیات و تحقیقات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد بین وسعت کارهای فاسد، و میزان زمانی که مدیران، صرف ملاقات با مسؤولان دولتی به منظور جلب نظر آنها می‌کنند، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. صاحبان شرکت‌هایی که رشوه بیشتر، نسبت به کسانی که رشوه کمتری می‌پردازند، ناچارند یک - سوم بیشتر از بقیه بنگاه‌داران، وقت‌شان را با مسؤولان

دولتی صرف کنند. که نشان می دهد که لزوماً انجام کارهای فسادآمیز، انجام کار را تسریع نمی بخشد (کافمن، ۱۳۷۷).

رشاء، ارتشاء، تصرف غیرقانونی، تدلیس و تبانی در معاملات دولتی، اختلاس، ربا، اخذ پورسانت، تحصیل مال از طریق نامشروع، کلاهبرداری هایی که دولت از آن متضرر می شود، اخذ کمیسیون در معاملات دولتی، عدم ایفای تعهدات ارزی، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، اختلالگری در نظام اقتصادی کشور، مداخله کارمندان دولت در معاملات دولتی، قاچاق کالا و ارز، پولشویی، تضییع وجوه و اموال دولتی از طریق اهمال یا تفریط از جمله مصادیق این تعریف است.

فساد، متضمن تخطی از وظایف در ازا یا به امید سود مادی شخصی، قدرت و یا شهرت است. و با توجه به تعاریف مختلف، می توان فساد مالی و اقتصادی را سوء استفاده از مقام، موقعیت و اختیارات و قوانین و مقررات در جهت منافع شخصی تعریف نمود که شرایط و نحوه آن در کشورهای مختلف متفاوت است و آداب و قوانین نیز همواره با یکدیگر همخوانی ندارند. این پدیده همواره - کم و زیاد - با اجتماعات بشری همراه بوده، و امری نسبی و مرتبط با نظام ارزش های یک جامعه و بخصوص در بخش عمومی و کارگزاران دولتی مطرح است.

۲. سابقه مطالعات جرم و فساد مالی

مطالعه سازمان یافته و مضبوط اقتصاد جرم به تاریخ ۱۸۲۹ برمی گردد که توسط ادوین چادویک^۱ انجام گرفت. پس از آن، بکر^۲ (۱۹۶۸)، استیگلر^۳ (۱۹۷۰)، ارلیک^۴ (۱۹۷۳)، رونالدز^۵ (۱۹۸۰) نیز مطالعات را تکمیل نمودند. این صاحب نظران، با استفاده از علم اقتصاد، مجموعه ای از وسایل علمی و فنی را در اختیار اقتصاددانان معاصر قرار دادند تا بتوانند تئوری های حقیقی اقتصاد جرم را که مبتنی بر سودمندی فعالیت مجرمانه برای مجرم می باشد، ارائه کنند. گری بکر آثار متعددی در این زمینه منتشر و به گسترش نظریه کمک کرده که در بحث مطالعات نظری به یکی از مهم ترین آنها پرداخته شده است. در داخل نیز مطالعاتی به انجام رسیده که به موارد مرتبط تر اشاره می شود.

1. Edwin chadwick
2. Becker
3. Stigler
4. Ehrlich
5. Ronalds

صبحی و همکار (۱۳۸۸) به «بررسی اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی» در نمونه ای وسیع از کشورهای جهان و در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ پرداخته اند. مقاله آنان، با استفاده از شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی، تأثیر فساد مالی را بر رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای پردرآمد، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم درآمد، بررسی نموده است. نتایج برآورد مدل تحقیق، گویای این است که اگرچه در کشورهای پر درآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط، کنترل فساد با رشد اقتصادی ارتباط مثبت معناداری دارد، در کشورهای کم درآمد این ارتباط منفی و معنادار است!

رهنورد و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه های اجرایی»، سعی کرده اند با در نظر گرفتن علل ریشه ای شکل گیری و تداوم پدیده فساد، راهکارهای مناسبی برای رفع یا تقلیل آن ارائه دهند. صادقی، عساری و شقاقی (۱۳۸۸) در مقاله «اندازه گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی)»، آورده اند: فساد پدیده ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است و دامنه آن از یک عمل فردی (مانند رشوه) تا یک سوء عمل فراگیر که تمام ارکان نظام سیاسی و اقتصادی را در برمی گیرد، گسترده است. مقاله، الگوریتم جدیدی برای سنجش فساد در ایران معرفی می کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد روند شاخص فازی فساد ایران طی دوره (۵۳- ۱۳۴۸) کاهش یافته و در فاصله سالهای ۵۸-۱۳۵۳ و همچنین از سال ۱۳۷۳ به بعد صعودی شده است.

دادگر و نظری (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان» معتقدند فساد مالی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، یک بیماری مزمن و از ویژگی دولت ها به شمار می آید. ج. ا. ایران از این نظر، دارای رتبه نامناسب و همچنین در بسیاری از کشورهای اسلامی و آفریقایی، فساد بیش از کشورهای پیشرفته است.

۳. ملاحظات نظری

گری بکر (Becker, 1968) اولین بار در مقاله معروفی تحت عنوان «اقتصاد جرم و مجازات، یک رهیافت اقتصادی» به مقوله اقتصاد جرم پرداخت. هدف اصلی وی پیشنهاد رهیافت هایی در جهت حداقل کردن زیان های اجتماعی و هزینه های جرم بود. مدل اصلی وی بر مبنای این فرض استوار است که: یک فرد مرتکب جرم خواهد شد اگر مطلوبیت انتظاری وی در ارتکاب جرم از مطلوبیتی که می تواند با استفاده از وقت و امکانات اش در سایر فعالیت ها به دست

آورد، بیشتر باشد. متغیرهای تصمیم اجتماعی از نظر وی، هزینه های جرم برای پلیس و دادگاه ها و نیز سطح (شدت) و نحوه مجازات می باشد که به تعیین احتمال اینکه اشخاص در چه شرایطی به ارتکاب جرم مبادرت می ورزند، کمک می کند. تغییر این عوامل، اگر منجر به افزایش هزینه انتظاری ناشی از جرایم شود، باعث کاهش آسیب ها می گردد. بکر این ارتباط بین تعداد جرایم و میزان بازدارندگی را در طرف «عرضه جرم» قرار می دهد. وی در تئوری بازدارندگی، احتمال محکومیت و شدت مجازات را به عنوان متغیرهای برونزای تابع عرضه جرم در نظر می گیرد. از نظر او، احتمال محکومیت بالا و نیز شدت مجازات، منجر به کاهش در مطلوبیت انتظاری ناشی از جرم می شود و لذا جرایم کمتری اتفاق می افتد.

ادبیات علمی در زمینه فساد نیز شاهد دو مکتب رقیب و متعارض زیر در خصوص اثرات فساد بر کارایی و اثربخشی نظام اداری و توسعه اقتصادی است:

مکتب کارآمدی: مکتب کارآمدی فساد، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می داند. در دهه های اخیر، برخی از صاحب نظران به عللی که اکنون منسوخ شده، فساد مالی را تسهیل کننده و «دارای نقش روغن کاری» توسعه می دانستند و مدعی بودند که راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر غیر اثر بخش است و از طرفی، فساد، این امکان را به کسانی که وقت آنها با ارزش است می دهد بتوانند بالاترین رشوه ها را بدهند تا به نتایج ثمر بخش تری برسند (Lien, 1986 & Huntington, 1968). بنابراین، طرفداران مکتب کارآمدی، فساد را هزینه کسب و کار می دانند که منفعت آن بیش از هزینه آن می باشد. به هر روی، ادعاهای زیادی مبنی بر اینکه فساد اداری، پدیده ای کاملاً منفی نیست و با آثار مثبت نیز همراه است، وجود دارد!

مکتب ناکارآمدی: نتایج پژوهش های بسیار در سال های اخیر در زمینه اثرات فساد، استدلال های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می کند (علی زاده ثانی و فانی، ۱۳۸۶).

رهیافت های دیگر تبیین فساد: در مهمترین مطالعات جامعه شناسی و سیاسی مربوط به فساد دو رویکرد اساسی در تبیین علل ظهور و تعمیق فساد ارایه شده است (هیوود، ۱۳۸۱): رویکرد اول، مربوط به نظریه کارکردگرایی ساختاری است که بیشتر به ساختارهای کلان جامعه و کیفیت کارکردهای آنها در بروز فساد می پردازد، و فساد افزایش یابنده را معلول عقب

ماندگی و عدم توسعه یافتگی نظام های سیاسی و اقتصادی می داند که بستر مناسبی را برای تخصیص لجام گسیخته منابع عمومی بنا به ملاحظات مشخص فراهم می کند. اساس فساد کلان بیش از آنکه یک مقوله اجتماعی و اقتصادی باشد، سیاسی است به پشتوانه قدرت سیاسی است که به وسیله مکانیسم های دموکراتیک رقابتی و نظارتی قابل کنترل نمی باشد. در هر جامعه ای که نهادهای نظارتی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی و صنفی قادر به نظارت و اثر گذاری بر تصمیم گیری های حکومت نباشند و نهادهای قضایی و اطلاعاتی نیز تحت نفوذ و کنترل قدرت سیاسی آیند، امکان تعمیق و پایداری مفاسد بیشتر است.

رهیافت دوم در سطح خرد و در قالب نظریه عقلانیت فردی مطرح شده است که معطوف به ویژگی های رفتاری و هنجاری کارگزاران حکومتی و غیر حکومتی مرتبط است. در این رویکرد فساد به عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه ها و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می شوند. در این مدل، افراد تصمیم گیر، موجوداتی عقلانی هستند که می کوشند منافع حداکثری خود را از منابع کمیاب تحقق بخشند.

برخی از محققان برای تبیین وضعیت فساد با یک تقسیم بندی دیگر، پنج رویکرد تبیینی را برای بررسی وضعیت فساد ارایه داده اند (ربیعی، ۱۳۸۳):

الف) رویکرد هزینه- فایده: در این رویکرد چنانچه افراد فایده یک اقدام را نسبت به هزینه آن بزرگتر ببینند، در جهت آن اقدام خواهند کرد و اگر مجازات ها با افراد فاسد ضعیف باشد، افراد اقدام به رفتار فساد آمیز می کنند.

ب) رویکرد محرومیت نسبی: اگر افراد نسبت به داشته های خود احساس بی عدالتی کنند، اقدام به رفتار فساد آمیز خواهند کرد. نابرابری اقتصادی، محرومیت های سیاسی و اجتماعی، خویشاوند سالاری و ... موجب بروز این رفتار می شود.

ج) رویکرد رانت جویی: امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم گیرندگان قرار می گیرد و قوانینی که با تصمیمات فردی زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می کند، موجب اعمال فساد آلود می شود.

د) رویکرد کارفرما- غیر کارگزار: زمانی که انجام کارهای کلان به افراد خاصی واگذار می شود، کارگزاران معمولاً بر خلاف اهداف کارفرمای دولتی، منافع خود را پیگیری و به این ترتیب زمینه را برای فساد مهیا می کنند.

ه) رویکرد حامی- پیرو: ساختار نامناسب اقتصادی، باندبازی در ساخت سیاسی، نوجه گرایی در انتصاب ها و گماردن پیروان در گلوگاه‌های تصمیم‌گیری با پشتوانه حامیان قدرتمند، زمینه‌های فساد را فراهم می‌سازد (با استفاده از: راغفر: ۱۳۸۲).

در دهه‌های اخیر شواهد زیادی نشان می‌دهد فساد، اثرات نامطلوبی را بر جای گذاشته (Theobald, 1990)؛ بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی سیاسی را افزایش داده (Ouma, 1991) و تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد، عملکرد نظام اداری، خدمات عمومی و کارایی و توسعه سیاسی دارد. با استمرار و دوام فساد، مشکلات اقتصادی و هدر رفتن منابع عمومی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، افزایش، کارایی دولت کاهش، تلاش‌ها برای اصلاحات اداری و مقیاس‌های حساسی با مشکل مواجه (United Nations, 1990) و افول شور کارآفرینی و باعث سوءاستفاده از منابع کمیاب، تضعیف توانایی‌های اداری و نهایتاً با تداوم آن، موجب فروپاشی سیاسی می‌گردد و ثبات، دموکراسی و انسجام ملی را از ریشه ویران می‌کند (Khan, 2010).

۴. ابزارهای فساد مالی و اقتصادی

مفاسد مالی و اقتصادی با استفاده از ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و قانونگذاری زیر، بویژه در کشورهای در حال توسعه - و از جمله تا حدی ایران - اشاره نمود:

توسعه نیافتگی سیاسی: مطالعات تطبیقی تجارب کشورهای پیشرفته با کشورهای در حال توسعه، و فرایند توسعه یافتگی و نیز چگونگی تشکیل دولت های ملی و نقش نهادهای سیاسی در این جوامع، بر وجود رابطه بین دموکراسی و فساد تأکید دارد. تمایل به انتخاب مجدد برای سیاستمداران، محدود کننده فساد آنان است. حمایت از آزادی‌های مدنی و بی‌آنکه معمولاً همراه با دموکراسی هستند، باعث امکان ایجاد دولت شفاف و آزاد می‌شود. در مقابل حکومت‌های غیر دموکراتیک به دلیل اینکه حاکمان آنها دارای توان بالقوه‌ای برای تشکیل دولت های آینده هستند، بستری برای محرک‌های فساد می‌باشند. در کشورهای جهان سوم، قدرت سیاسی از دو جهت بر فساد تأثیر می‌گذارد: فقدان فرایند مردم سالاری هیچ زمینه‌ای برای کنترل دولت توسط نهادهای مدنی، احزاب و مطبوعات و رسانه‌ها را فراهم نمی‌سازد و در فقدان این نظارت، با آسودگی خیال برای نخبگان دولتی، فساد با سهولت بیشتر صورت می‌گیرد. همچنین دولتمردان در جهان سوم حضورشان در حاکمیت را موقتی تلقی می‌کنند و به کسب حداکثر امکانات می‌پردازند.

فقدان احزاب و فعالیت های سیاسی: در دنیای امروز، احزاب بخشی جدایی ناپذیر از حیات اجتماعی و سیاسی محسوب می شوند. در کشورهای توسعه نیافته، رقابت برای تصاحب قدرت، کمتر در قالب فعالیت احزاب صورت گرفته و بیشتر همراه با حذف و برخوردهای نظامی یا خشونت صورت می گیرد. مطالعات درباره رابطه احزاب با فساد مالی نشان می دهد که با وجود احزاب مستقل و متنوع، فساد مالی کمتری رخ می دهد. از سوی دیگر، در این کشورها هزینه رقابت و فعالیت سیاسی بالا است و از رقابت سیاسی منظم و هدفمند جلوگیری می شود و با ایجاد وابستگی یا حذف، جامعه مدنی تضعیف و موجب می شود که شهروندان کمتر قادر به اثر گذاری بر دولت باشند و از طرف دیگر، توسعه درازمدت یک فرایند سیاسی رقابتی، پاسخگو و آزاد، نه تنها خود ارزشمند، که پدید آور فرصت ها و قدرت واقعی برای کشورها در جریان مبارزه با فساد مالی است.

نظام های سیاسی بسته: نوع نظام های سیاسی و ساختارهای آن، اشکال مختلف فساد را بروز می دهد و الگوهای رانت جویی خود را به وجود می آورد. در کشورهای بسته که نظام سیاسی آنها خاندانی است، معمولاً فسادهای سطح اول به صورت قانونی صورت می گیرد، در دولت های کودتایی، نظام های تک حزبی، جمهوری های اسمی نیز الگوهای خاصی از فساد جاری است. در این کشورها عموماً با فساد سطح دوم برخورد شده و فسادهای سطح اول در یک تقسیم بندی در حلقه های اولیه ساخت سیاسی صورت می گیرد. در هر دو الگو، خروج سرمایه توسط نخبگان سیاسی حلقه اول، امری متداول و در نظام های سیاسی در حال گذار، در هر دو سطح فساد در میان کارکنان و نخبگان جریان دارد. در این نظام ها که جریان مردم سالاری ضعیفی وجود دارد، نوع خاصی از فسادهای تعریف نشده و هرج و مرج گونه مشاهده می گردد.

عقب ماندگی فرهنگی: در برخی کشورها فساد به صورت یک هنجار عمومی، پذیرفته شده که در تعدادی از کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است. این فرایند به صورت تاریخی شکل گرفته و ریشه کنی آن نیز زمان بسیار می برد.

جنسیت: برخی مطالعات، به نقش جنسیت توجه نموده و نتیجه گرفته اند که مردان فاسدتر از زنان هستند، و افزایش مشارکت زنان در فعالیت های کلان، موجب کاهش بروز و شیوع فساد می شود. با این وجود، تحقیقات نشان می دهد که در حالی که جنسیت بر فساد مؤثر است، اما دلیل فساد بیشتر به مکانیزم سازمانی مربوط می شود تا ویژگی های خاص جنسیتی.

حامی پروری: حامی پروری در مراکز حساس یا از طریق افراد قدرتمند در پست‌های سیاسی و مقامات ارشد صورت می‌گیرد و شبکه‌های قدرت اقتصادی اقدام به حمایت و رشد افراد مورد نظر در مدیریت‌های کلیدی می‌کنند.

توسعه نیافتگی: بین فساد و توسعه رابطه معکوسی برقرار است. گستره آموزش و روابط قانونی در کشور های کمتر توسعه یافته، با کاستی رو به رو است. باز بودن و عدم تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در توسعه یافته‌ها و تمرکز اقتصادی و گسترش بخش عمومی و دولتی و محدود بودن فضای اقتصاد خصوصی، از عوامل بروز فساد در کشورهای توسعه نیافته است.

قوانین مبهم و یک سوپیه: شاید بتوان گفت که عمده‌ترین ابزار فساد مالی و اقتصادی، سوء استفاده از قوانین نامناسب موجود، عدم وجود قوانین و مقررات در پاره‌ای موارد، و روشن و شفاف نبودن بسیاری از قوانین و مقررات می‌باشد؛ مانند مقررات صدور مجوزهای مختلف، مقررات تعیین محدوده‌ها، و مقرراتی که ارزش اقتصادی زیادی بر آنها مترتب است و مقرراتی که بسیاری از هزینه‌ها و اعتبارات را از شمول قانون محاسبات عمومی خارج می‌سازد.

در این زمینه، در مقطعی در کشور شاهد بودیم که قوانین به صورتی تنظیم می‌شده که اصطلاحاً به آن گرد نویسی در قوانین گفته می‌شود. این شیوه در هنگام تدوین لایحه بودجه نیز به کار می‌رود.^۱

ضعف قانون از دو جنبه بر روند فساد تأثیر می‌گذارد:

ضعف قوانین مناسب در مبارزه علیه فساد: فقدان قانون منسجم ضد فساد به عنوان عاملی مؤثر در بروز و گسترش فساد عمل می‌کند. پس قوانین ناکارآمد در بخش‌های تجاری، مالی، بانکی، ثبت اسناد و سایر ابعاد اقتصادی، خود پناهگاهی برای افراد فاسد و بروز فساد مالی می‌شود. قوانین غیر شفاف متعدد، متناقض و ناهماهنگ منتهایی برای کارمندان عالیرتبه و نیز رده پایین و فرصت‌طلبان پدید می‌آورد و در نهایت، فساد مانند یک دژ محکم و تسخیر ناپذیر در ساختار دولتی بویژه در کشورهای در حال توسعه باقی می‌ماند.

قانون حقوق و دستمزد: دستمزدهای پایین در ساختار اداری کشورهای در حال توسعه، از عوامل بروز و گسترش فساد مالی است. پایین بودن دریافت‌های کارکنان، وضعیتی را به وجود می‌آورد که در بهترین حالت کارمندان، بخش دولتی را به عنوان سکویی برای پرتاب فعالیت

۱. نقطه اوج این اتفاق را در دولت‌های نهم و دهم شاهد بودیم. بودجه‌های ارائه شده در این دو دولت، به شدت تأثیر به اصطلاح «گردنویسی» قرار دارند که قوانین مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در بودجه‌های دولت نهم و دهم، ارقام و منابعی ارائه شده که فاقد ردیف و هزینه کرد مشخص است. یعنی منابعی در بودجه وجود داشته است که اختیار هزینه کرد آنها در اختیار دولت و شخص رییس دولت قرار داشته است (تاجگردون، ۱۳۹۲).

های آینده خود در بخش خصوصی تلقی کنند (ربیعی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر، پایین بودن حقوق کارکنان، هزینه اخراج را در مواقع افشای فساد، پایین می آورد. همچنین جریمه‌هایی مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، قوانین تراکم مربوط به شهرداری در ایران از جمله موارد فسادخیزاند.

دستگاه قضایی ناکارآمد: دستگاه قضایی از دو جهت تأثیر عمیق و پایدار بر فرایند فساد دارد: نخست کوتاهی این دستگاه در رسیدگی به تخلفات، و اعمال نفوذ در رسیدگی‌ها به پرونده افراد آلوده یا «نارسیدگی» در پرونده. در اکثر کشورهای در حال توسعه و گذار، فساد واکنشی به مشکلات اساسی در مدیریت دستگاه قضایی است. سه مشکل اصلی دستگاه قضایی این کشورها عبارتند از (راغفر، ۱۳۸۲): ماهیت اصلی قوانین، ضعف مدیریت دادگستری و ناتوانی دستگاه قضایی در کنترل دولت.

بی ثباتی سیاسی و اقتصادی: در نظام های بی ثبات، افرادی که قدرت را در مقطعی به دست می گیرند، چون ناپایدارند، اقدام به چپاول منابع اقتصادی می کنند. از سویی دیگر، فساد مالی و سیاسی، موجب ایجاد نگرش منفی و اعتراض آمیز در جامعه شده و این نظام‌ها را با فقدان مشروعیت رو به رو می سازد و بی ثباتی تشدید می گردد. همچنین در بی ثباتی اقتصادی نظام قیمت از کار می افتد و برای تخصیص منابع به تولید و مصرف کنندگان علامت نمی دهد و سودهای رانتی از اصطکاک بازار افزایش می یابد.

قراردادهای خرید و سرمایه‌گذاری دولتی: بسیاری از دستگاه های اجرایی مستقیماً با شرکت های خارجی و داخلی قراردادهای هنگفت خرید منعقد می کنند. قرارداد خرید کالاهای اساسی در حجم زیاد، نیروگاه ها، پالایشگاه ها و تجهیزات آنها، تجهیزات صنعتی در شرکت های دولتی از این جمله هستند که کنترل و یا انعقاد آنها توسط مأموران دولتی می تواند به عنوان ابزاری برای ارتکاب فساد مورد سوء استفاده قرار بگیرد. از طرف دیگر، تشخیص و انتخاب پیمانکاران طرح های بزرگ مانند احداث جاده، فرودگاه، پل که از اختیارات کارگزاران دولتی است، می تواند به گونه‌ای صورت گیرد که به نفع پیمانکاران خاصی تمام شود و یا باعث سوق دادن اعتبارات به سوی بعضی مناطق خاص گردد. تأیید انجام کار و تحویل گرفتن کاری که در واقع خاتمه نیافته، همگی ابزارهایی است که می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد.

توزیع امکانات، اعتبارات و مزایا: قیمتگذاری کالاهای، اعطای سوبسیدها به تولید و مواد اولیه و سوخت، وام‌های بانکی کم بهره برای موارد خاص، ارز خارجی با نرخ‌های ترجیحی، به برخی اشخاص حقیقی و حقوقی، می تواند زمینه فساد را ایجاد نماید. گزینش نیروی انسانی و ترفیع

رده و درجه که گاه به خرید و فروش مشاغل نیز منجر می شود، اختیار تخصیص مزایای ویژه به برخی اشخاص، مانند پرداخت های از کار افتادگی، بورس ها و کمک ها و ارائه خدمات دولتی زیر قیمت معمول بنا به برخی ملاحظات شخصی، نیز از مصادیق فساد اند. کارگزاران دولتی همواره با وسوسه های بسیار قوی برای سوء استفاده از قدرت مواجهند. گرایش مقامات دولتی به انجام اقداماتی که به نفع جامعه نیست، عملکرد اقتصادی دولت را مخدوش کرده، می تواند با اشکال تراشی ها، بهانه گیری ها، دلسرد کردن شرکت ها و افراد درستکار، اثرات نامطلوبی بر رشد و توسعه بر جای گذارد. نادیده گرفتن روح آیین نامه ها، آسیب های اجتماعی جدی برای جامعه به دنبال دارد. در بسیاری از کشورها در زمینه قوانین مالیاتی یا مجوزهای واردات یا صادرات کالاهای خاص، اختیارات گسترده ای برای مقامات در نظر گرفته شده است و آنها این قدرت انحصاری را در اختیار دارند که ضروری بودن یک سرمایه گذاری یا واردات یک فعالیت را تشخیص دهند و به عنوان یک منبع انحصاری برای اعطای چنین مجوزهایی عمل نمایند و تعدد قوانین و مقررات نیز اغلب زمینه مساعدی را برای بروز فساد فراهم می کند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

هر قدر حوزه استفاده از این ابزارها در کشور وسیع تر باشد، احتمال بروز فساد نیز بیشتر خواهد بود. کنترل ابزارهای مذکور، به کارگزاران دولت زیادی می دهد که در صورت وجود جو اجتماعی مناسب و فقدان مجازات های متناسب، می توانند برای خود و وابستگان و آشنایان مزایای زیادی را کسب نمایند. در این صورت به اقتدار و نیز اعتبار دولت لطمه می خورد. در این حالت، شاهد نوعی خصوصی سازی قدرت دولت هستیم که قدرت دولت به جای انتقال به بازار، به مدیران دولتی می رسد و در نهایت، به عملکرد بازار نیز لطمه می زند و در طولانی مدت به شکست بازار^۱ منجر می شود.

سیاست های اقتصادی ناکارا: «اقتصاد بسته» و نیز سیاست های اقتصادی ناکارا در کشورهای درحال توسعه، «اقتصاد زیرزمینی» را رایج و این نوع اقتصادها به طور اجتناب ناپذیر با فساد مالی و سیاسی در هم تنیده می شوند. خصوصی سازی نیز اگر به درستی انجام شود، می تواند با خارج کردن دارایی های خاصی از کنترل دولت به انتخاب های مبتنی بر محرک های بازار توسط بخش خصوصی، از فساد بکاهد. اما ضعف حکومت مانع پیشرفت بخش خصوصی کارآمد و سالم و در نتیجه افزایش فساد می شود. خصوصی سازی یک روند برای خروج از بن بست تمرکزگرایی فسادآمیز است و می توان آن را به عنوان یک برنامه اصلاحی برای مقابله با فساد

1. Market failure

قلمداد کرد. لکن این روند اصلاح آمیز، خود وقتی به دست افراد فاسد صورت گیرد، به یک منبع بالقوه جدید برای ایجاد درآمدهای فاسد تبدیل خواهد شد. اگر چه خصوصی سازی در طیف وسیعی از موارد مفید است، اما اصلاحگران باید فرایندی را طی کنند که انگیزه‌های رانت خواری را کاهش دهد و باید گسترده‌ترین سطح مشارکت را، به جای جانبداری از ائتلاف‌هایی که پیوندهای قوی با نخبگان دارند برقرار کرده و شفاف باشد (راغفر، ۱۳۸۲).

۵. سطح، شدت و درجه‌بندی فساد

مطالعات نشان می‌دهد که فساد بیشتر در دو سطح صورت می‌گیرد (ربیعی، ۱۳۸۳): سطح کلان و سطح خرد. فساد در سطح کلان، بیشتر به نخبگان سیاسی و مقامات ارشد دولت‌ها مربوط می‌شود (فساد یقه‌سفیدان). سطح خرد فساد عبارت است از مبادلات فاسدی که در سطح کارمندان رده‌پایین و در ارتباط مستقیم با ارباب رجوع صورت می‌گیرد (فساد یقه‌آبی‌ها). نقش عوامل سیاسی و کلان در ایجاد فساد، بسیار مهم است. بسیاری بر این باورند که فساد، بیشتر در دستگاه دولت، هم در سطح کلان (بین مسؤولان عالی‌رتبه) و هم در سطح خرد (بین کارمندان رده‌های پایین) اتفاق می‌افتد. فساد رده‌های میانی و پایین، تا حد زیادی به میزان فساد در بین رده‌های بالای نظام، یعنی مقامات بستگی دارد. وقتی بخشی از هیأت حاکمه فاسد باشد، برای دستیابی به درآمدهای فاسد، از یک‌سو به کمک مدیران میانی نیازمند است و از سوی دیگر، ناچار است نهادهای حسابرسی و نظارتی، مانند مطبوعات، دستگاه‌های قضایی و سازمان‌های بازرسی را تضعیف (نصرتی، ۱۳۷۷) و یا فاسد کند. در یک محیط سیاسی فاسد، کارمندان رده‌های میانی که مرتکب فساد اداری می‌شوند، کمتر نگران کشف جرم و تنبیه‌اند؛ چون غالباً میان مسؤولان رده‌بالا و مدیران میانی، نوعی تبانی ایجاد می‌شود؛ که مبارزه با فساد را سخت می‌کند. بر این اساس، گلوگاه فساد، فساد اداری در سطح مسؤولان عالی‌رتبه است (حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

همچنین امروزه در سطح بین‌المللی ابزارهایی برای اندازه‌گیری فساد در کشورهای مختلف وجود دارد. مراجعی مانند سازمان شفافیت بین‌الملل^۱ و مؤسسه مشاوره ریسک اقتصادی آذر زمینه مبارزه با فساد به کشورهای داوطلب کمک می‌کنند. سازمان شفافیت بین‌الملل (TI) هر سال با ارائه گزارشی، کشورهای مختلف را با محاسبه شاخص فساد مربوط به

1. International Transparency
2. Consultancy Economic Risk

آنها امتیازبندی می‌کند. شاخص اندازه‌گیری فساد (CPS) که رتبه کشورها را از نظر فساد مشخص می‌کند، بین دو عدد صفر (حداکثر فساد) و ۱۰ (حداقل فساد) قرار دارد.^۱ به عنوان مثال در رتبه بندی فساد در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۰۸، کشور دانمارک با کسب امتیاز ۹/۳، پاک‌ترین کشور در جمع ۱۸۰ کشور جهان بوده و در رأس کشورهای قرار گرفته است که در آنها رشوه دریافت نمی‌شود. در همین سال کشورهای فقیر و در حال توسعه جهان در پایین جدول قرار گرفته‌اند و بیشترین درجه فساد را داشته‌اند. بر اساس گزارش سازمان (TI)، ایتالیا که در سال ۱۹۹۵ از امتیاز ناچیزی (۲/۹۹) برخوردار بود، با اجرای اصلاحات اساسی در دستگاه دولتی به امتیاز ۴/۸ و کسب رتبه ۵۵ در سال ۲۰۰۸ دست یافته است. امروزه بسیاری از رهبران کشورهای جهان سیاست‌هایی برای مبارزه علیه فساد در دستور کار خود قرار داده‌اند.

۶. انواع فساد مالی

به طور کلی مفاسد مالی و اقتصادی شامل مفاسد عمده زیر می‌باشد:

رشوه: رشوه، عبارت است از رد و بدل شدن پول یا دیگر مصادیق ثروت در مقابل هرگونه سوء استفاده از اختیارات قانونی و دولتی در همه زمینه‌ها (اکبری، ۱۳۷۶). زشتی رشوه آن قدر است که حتی طرفین رشوه، مایل نیستند این کلمه را به کار برند و از آن در پوشش عناوینی مثل هدیه، ناقابل، شیرینی، حق الزحمه، انعام، پول چایی، زیرمیزی و ... استفاده می‌کنند.

پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به اهدافی از قبیل تسهیل در اجرای قوانین، تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون، دسترسی غیرقانونی به منابع درآمد و جعل اسناد و مدارک صورت می‌گیرد. زمینه‌های کاربرد رشوه عبارتند از: ۱- مناقصه؛ ۲- مزایده؛ ۳- خریدهای دولتی؛ ۴- تسریع در انجام امور قانونی؛ ۵- پرداخت به دولت؛ ۶- سندسازی؛ ۷- کسب امتیازات؛ ۸- امور بانکی؛ ۹- امور قضایی؛ ۱۰- سایر موارد.

در واقع پدیده رشوه یکی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق مردم و پایمال شدن حقوق محرومان به وسیله اغنیاء و قدرتمندان می‌باشد. گسترش رشوه‌خواری در جامعه موجب نابودی اصول اخلاقی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و تغییر نگرش افراد و سازمان‌ها به وظایف خود و رواج بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی و عدم دلسوزی و کم‌کاری می‌شود و در غیاب افراد سالم، رشد و

۱. لوییس کوریر، پل، فساد و اخلاق، ترجمان اقتصادی، شماره ۴۹.

توسعه را مختل می سازد. رشوه اخلاق اجتماعی را ویران می سازد و اصول و ضوابط و مقررات را در هم می ریزد.

به طور کلی، انگیزه ها و عواملی که موجب شیوع و گسترش رشوه خواری در جامعه می شود عبارتند از: الف) تبعیض و نابرابری های اقتصادی و اجتماعی؛ ب) ضعف اعتقادات دینی؛ ج) عدم پایبندی به قانون.

رشوه و رشوه خواری یکی از رایج ترین و گسترده ترین انواع مفاسد مالی و اقتصادی است که در سطح بین المللی به شدت رواج دارد و علاوه بر وارد نمودن زیان های شدید بر اقتصادهای ملی، اقتصاد و تجارت بین المللی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده، به طوری که در حال حاضر سازمان های اقتصادی بین المللی، رشوه را از مهمترین مخاطرات و موانع جدی اعتماد بین المللی در مبادلات می دانند. قرارداد OECD در مورد مبارزه بر علیه رشوه خواری در سال ۱۹۹۹ به مرحله اجرا درآمد. حداقل مقدار شاخص پرداخت رشوه صفر (بدترین وضعیت) و حداکثر آن ۱۰ (بهترین وضعیت) است.

اختلاس^۱: اختلاس، ربودن منابع توسط افرادی که به آن دسترسی دارند. و به عبارت دیگر، کارگزاران بخش عمومی، از نهادی که در آن استخدام شده اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آنها استفاده کنند، اقدام به برداشت نمایند.

اختلاس به عنوان یکی از مصادیق بارز فساد مالی و اقتصادی از نظر لغوی به معنای ربودن، دستبرد زدن و دست اندازی به مال دیگران می باشد و از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست اندازی بر مال دیگران اطلاق می شود و عبارت است از اینکه با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند (سمیعی، ۱۳۴۸).

اختلاس، در تعریفی گسترده تر از فساد اداری می گنجد. اختلاس، دزدی قلمداد می شود؛ زیرا در آن، طرف شهروند وجود ندارد و دارایی شخصی سرقت نمی شود اما منافع عمومی به خطر می افتد (حسینی و همکار، ۱۳۹۱).

۷. سایر مفاسد مالی

آشنابازی: آشنابازی^۲، روبه ای است که به موجب آن یک مأمور دولت، خویشاوندان را به خدمات دولتی منصوب می کند و آنها را در لیست حقوق بگیران دولتی قرار می دهد و یا آنها را از امتیازات

1. Embezzlement
2. Nepotism

دیگری برخوردار می سازد تا بر حیثیت یا درآمد خانوادگی بیافزاید و یا به جای توسعه رفاه عمومی به ساختن یک ماشین سیاسی یاری رساند (گولد و همکار، ۱۳۷۶).

پارتی بازی، نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که امتیازی به افراد همسود داده شود و بویژه در فرایند خصوصی سازی ها و توزیع جانبدارانه منابع دولتی اعمال می شود. پارتی بازی، تمایل طبیعی انسان به جانب داری از دوستان، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده، تا جایی که توزیع فسادآمیز منابع را به نمایش می گذارد، رابطه ای نزدیک با فساد اداری دارد. به عبارت دیگر، پارتی بازی روی دیگر آشنا بازی و فساد اداری است.

مأمورانی که به منابع دولتی و توزیع این منابع دسترسی دارند، تمایل شدیدی به پارتی بازی دارند تا امتیازاتی را به افرادی خاص ببخشند. در بسیاری از کشورهای استبدادی و نیمه دموکراتیک، پارتی بازی یکی از مکانیسم های سیاسی اساسی به شمار می آید. در بسیاری از نظام های غیردموکراتیک، رئیس جمهور از قدرت بی، و یا کم نظارت در نصب مقام های رده بالا برخوردار است که، به صورتی گسترده زمینه را برای پارتی بازی فراهم می سازد (با استفاده از: حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

خویشاوند سالاری شکل ویژه ای از پارتی بازی است که طی آن، مدیر، اقوام خود را - بدون دلیل - بر دیگران ترجیح می دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می کوشند از طریق قرار دادن اعضای خانواده خود در پست های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند.

رقابت ناسالم یا فریب کارانه: بعضی از اشخاص و بنگاه ها منافع خود را در بی نظمی جستجو می کنند، زیرا در محیطی منظم و در رقابتی سالم، شانس مقاومت در برابر تولیدکنندگان کارآمد را ندارند. و تنها در مقطعی کوتاه و تا زمانی که اعمال خلاف شان آشکار نشده، می توانند با اقدامات غیراخلاقی و متقلبانه خود، در رقابتی ناسالم، در مواقعی باعث ورشکستگی رقیبان درستکار شوند. در حقوق تجارت این نوع رقابت ناسالم، رقابت مکارانه و طبق قانون، ممنوع است.

تولید و توزیع کالاهای معیوب و مضر: مسؤولیت تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کالاهای معیوب و مضر، یکی از مباحث مهم حقوق تجارت ملی و بین المللی در کشورهای پیشرفته صنعتی می باشد و این کشورها به موازات توسعه طی فرایند توسعه، با تدوین قوانین و مقررات مناسب، روابط اشخاص در جامعه را با تحولات جدید تنظیم نموده و هماهنگی لازم

بین بخشهای مختلف را برقرار کرده؛ به طوری که تولید و توزیع کنندگان کالاهای معیوب و مضر، دارای مسؤولیت مدنی و کیفری می‌باشند.

سوء استفاده و کلاهبرداری: انتقال منابع به اشخاص، بدون ظاهر شدن در حساب‌های رسمی یا سر فصل‌ها که در غالب موارد این دو با هم همراه و تفاوت مقررات کشورها و محرمانه بودن حساب‌های بانکی افراد این فرایند را آسان‌تر کرده است. حق السکوت^۱: نوعی باجگیری است که از شخص حقیقی یا حقوقی و یا بعضاً دولتی اخذ می‌گردد.

۸. آثار و پیامدهای فساد مالی

شیوع مفاسد مالی در کشور می‌تواند عوارض و پیامدهای اقتصادی بسیاری را به همراه داشته باشد؛ از جمله:

الف) آثار منفی فساد مالی بر تخصیص صحیح منابع: فساد مالی، کار تعقیب اصل تخصیص تهیه منابع به وسیله دولت را فلج می‌کند و اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. در این جا است که افراد به سمت فعالیت‌های نادرست می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل الوصول، به جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد.

ب) آثار منفی فساد مالی بر توزیع صحیح درآمدها: این اثر از طریق کاهش درآمدهای دولتی پدید می‌آید و این کاهش توانایی، باعث می‌شود دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان شود. الگوی نادرست درآمدها باعث رواج نابرابری‌ها و اختلاف‌های شدید طبقاتی می‌شود و در بلندمدت از تحقق کامل عدالت اجتماعی جلوگیری خواهد کرد. در این جا است که اقشار ضعیف و کم درآمد، از مزایای رفاه اجتماعی کم‌ترین بهره را خواهند داشت؛ در توزیع درآمدها جایگاهی ندارند و سرمایه‌گذاری‌های دولتی به نفع این گروه نخواهد بود.

ج) آثار منفی فساد مالی بر کارایی اقتصادی: فساد بیش‌تر، کارایی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارایی، به فساد بیش‌تر خواهد انجامید و بین

1. Hush - money

کاهش کارایی و افزایش فساد مالی دور باطلی ایجاد می شود که نتیجه آن، حاکمیت گسترده فساد و عوارض ناشی از آن و شکل گیری انگیزه های فاسد است.

د) تأثیر فساد بر سرمایه گذاری: فساد، در میان مدت، سرمایه گذاری های عمومی را کاهش داده و عمده سرمایه های موجود در جامعه را به سمت بخش های فاقد بهره وری که زمینه اختلاس، پول های بادآورده و فرار از پیچ و خم های ناشی از اعمال فساد در آنها بیشتر به دست می آید، سوق می دهد. عدم سرمایه گذاری در بخش های مولد، کاهش کارآمد بودن سیاست های صنعتی و ترغیب فعالیت های اقتصادی در بخش غیر رسمی به منظور نقض مالیات و قوانین نظم بخش از جمله دیگر پیامدهای فساد بر سرمایه گذاری ها است. تأثیر فساد صرفاً بر سرمایه گذاران داخلی محدود نمی شود. سرمایه گذاران خارجی که با کارمندان ذی ربط در ارتباط هستند معمولاً دچار سردرگمی بوده و هر آن مترصد به هم خوردن قراردادهای و زد و بندهایی که هزینه های زیادی بر آنها تحمیل خواهد کرد، هستند. روند تشدید کننده دیگر، خروج سرمایه های به دست آمده ناشی از فساد، توسط نخبگان به خارج از کشور و خارج کردن آنها از چرخه تولید و سرمایه گذاری است. کارمندان سطوح پایین تر نیز درآمدهای ناشی از فساد را بیشتر صرف تقاضاهای کاذب خود خواهند کرد تا پس انداز.

ه) آثار منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی: تأثیر منفی عمیق فساد مالی، بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه خواهد بود. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه های سرمایه گذاری در بلند مدت، بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت (لیت و وایدمن، ۱۹۹۹).

در مجموع می توان گفت که پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشور ما می تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاصد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود (hawzah.net).

۹. وضعیت کشورهای جهان و ایران از نظر فساد

مفاصد مالی، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه دولت ها دارند. پدیده فساد مالی، عارضه ای است که کم و بیش در کلیه جوامع وجود دارد و با درجه های گوناگونی، طی سال های گذشته، همه کشورها را - کم و زیاد - در بر گرفته است. تحقیقات بسیاری درباره رتبه بندی کشورهای جهان در زمینه شیوع پدیده فساد مالی صورت می گیرد. اطلاعات این رتبه بندی بر درک تاجران خارجی است و اصلاً نمی تواند دلیلی بر میزان و شدت معضل فساد مالی خیلی

دقیق در داخل کشورها باشد. رتبه برخی از کشورها که در سال ۲۰۰۰ میلادی از سوی «سازمان شفافیت بین المللی» (۳) منتشر شده است، نام ایران دیده نمی شود؛ اما در رتبه بندی دیگری که سازمان شفافیت بین المللی در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه کرده، نمره ایران ۳/۲۵ محاسبه شده که جایگاه خوبی نداشته است (با استفاده از: دادگر).

بانک جهانی نیز میزان فساد و ارتشا را در جهان گزارش می کند و گزارش ها نشان می دهد که کشورهای ضعیف و جهان سومی و کشورهایی که متمرکز هستند، درجه بالاتری از میزان فساد مالی را دارند و کشورهای توسعه یافته، کمتر به آن دچارند و زمینه فساد در آنها، کمتر فراهم است. تلاش کنونی جامعه جهانی در مبارزه با فساد، نامتوازن است و نوک تیز آن، متوجه مقام های دولتی در نظام های فاسد کشورهای عقب مانده است؛ در حالی که منشأ بخش اعظم فعالیت های فسادآلود در تجارت بین الملل، در کشورهای صنعتی قرار دارد که بیش از کشورهای دیگر، ندای مبارزه با مفسد را سر داده اند^۱ (فوگل، ۱۳۷۷). عدم توازن در امر مبارزه همگانی با فساد مالی در سطح جهانی، به ضرر همه کشورها خواهد بود.

رتبه ایران با روند نزولی در فهرست ۲۰ درصد کشورهای فاسدجهان: در گزارش سازمان شفافیت بین الملل، سومالی، کره شمالی و افغانستان (با ۸ امتیاز از ۱۰۰) فاسدترین کشورهای جهان بین ۱۷۷ کشور در سال ۲۰۱۳ شناخته شدند. کشورهایی که بدترین عملکرد را در این زمینه دارند، کشورهایی هستند که درگیر جنگ بوده اند. در این شاخص ایران با ۲۵ امتیاز در رتبه ۱۴۴، در حالی که در میان کشورهای همسایه، ترکیه با ۵۰ امتیاز در رتبه ۵۳، قرار داشته است.

در مقابل دانمارک و نیوزیلند هر یک با ۹۱ امتیاز و پس از آنها فنلاند و سوئد با ۸۹ امتیاز، کشورهایی بودند که حداقل فساد را داشتند. همچنین نروژ و سنگاپور با ۸۶ امتیاز در رتبه پنجم و پس از آنها سوئیس، هلند، استرالیا، کانادا، لوکزامبورگ، آلمان، ایسلند، انگلیس و باربادوس قرار گرفتند. در سطح منطقه ای اروپای شرقی و آسیای مرکزی (۹۵ درصد فساد) بدترین رتبه را داشتند و اروپای غربی و اتحادیه اروپا (۲۳ درصد فساد) بهترین رتبه را به دست آوردند. میزان فساد در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز ۸۴ درصد عنوان شد.

امتیاز ایران در شاخص ادراک فساد در سال گذشته میلادی (سال ۲۰۱۲)، معادل ۲۸ گزارش شده بود که جایگاه ۱۳۳ را در بین کشورهای مورد بررسی نصیب ایران کرده بود. گزارش

۱. کشورهای پناهگاه آلودگی نیز قابل توجه است که به دلیل مقررات سخت کنترل آلودگی در کشورهای پشرفته صنعتی، باعث شده است تا صنایع آلوده ساز به کشورهای درحال توسعه منتقل گردد.

جدید نشان می دهد، نمره ایران در شاخص ادراک فساد در سال جاری، به میزان سه واحد کمتر شده (از ۲۸ به ۲۵) رسیده و به این ترتیب، جایگاه ایران نیز در این رتبه بندی، با ۱۱ پله نزول از ۱۳۳ به ۱۴۴ تغییر یافته است. موضوعی که نشان دهنده بدتر شدن وضعیت ایران در زمینه فساد اداری، از نگاه این نهاد ناظر بین المللی است. همچنین با توجه به اینکه ایران به طور مشترک با پنج کشور دیگر در جایگاه ۱۴۴ قرار گرفته، می توان گفت تنها ۲۸ کشور جهان در زمینه فساد اداری وضعیتی بدتر از ایران دارند.

بررسی گزارش های پیشین این نهاد در خصوص وضعیت فساد در کشورها نشان می دهد در ۱۰ سال گذشته، به طور نسبی جایگاه ایران به طور تدریجی نزول بیشتری در این رتبه بندی یافته است. سازمان شفافیت بین الملل از سال ۱۹۹۵ گزارش های سالانه خود را در زمینه وضعیت «ادراک فساد» در کشورها تهیه و منتشر می کند، اما ایران از سال ۲۰۰۳ وارد گزارش های این سازمان شده است. در سال ۲۰۰۳ (معادل ۱۳۸۲)، ایران در بین ۱۳۳ کشور مورد بررسی، با نمره ۳/۰ از ۱۰، جایگاه ۷۸ را داشت. این جایگاه بهترین رتبه ایران از آن زمان به بعد بوده و در ۱۰ سال بعدی، هیچگاه نمره ایران معادل ۳/۰ یا بالاتر از آن نبوده است. از نظر سازمان بین المللی شفافیت، شاخص فساد ایران در سال ۲۰۰۳ امتیاز ۳ داشته^۱ که در سالهای بعد به ترتیب ۳، ۲/۹، ۲/۷، ۲/۵ و ۲/۳ بوده که نشان می دهد در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ فساد افزایش یافته و جایگاه کشورمان از نظر این شاخص در سال ۲۰۰۷ به ترتیب رتبه ۱۳۱ جهانی و ۱۳ منطقه ای و در سال ۲۰۰۸ به ترتیب رتبه ۱۴۱ جهانی (بین ۱۶۶ کشور) و ۱۶ منطقه ای (بین ۲۳ کشور) را داشته است.

بدترین جایگاه ایران نیز در این سالها مربوط به سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) بوده که در این سال، رتبه ایران در سال های گذشته از لحاظ این شاخص، بدتر شده است. در جدول زیر ۵ کشور برتر و ۵ کشور از بدترین کشورها و رتبه ایران و سه کشور هم رتبه ایران ملاحظه می گردد.

۱. گزارشات سازمان بین المللی شفافیت، سالهای مختلف، به نشانی: www.transparency.org؛ توضیح اینکه امتیازدهی آن سازمان از صفر (بدترین) تا ۱۰۰ (بهترین) بوده است.

جدول ۵. کشور برتر و ۵ کشور از بدترین کشورها و رتبه ایران و سه کشور هم رتبه ایران

	Country Rank	Country / Territory	Region	CPI 2013 Score	Standard Error	90% Confidence interval		Scores range	
						Lower	Upper	MIN	MAX
1	1	Denmark	EU	91	2.2	87	95	83	98
2	1	New Zealand	AP	91	2.3	87	95	83	98
3	3	Finland	EU	89	1.7	86	92	83	98
4	3	Sweden	EU	89	2.3	85	93	83	98
5	5	Norway	EU	86	2.3	82	90	80	98
150	144	Iran	ME	25	3.9	19	31	15	41
151	144	Nigeria	AF	25	3.1	20	30	14	40
152	144	Papua New Guinea	AP	25	4.2	18	32	11	35
153	144	Ukraine	EE	25	1.7	22	28	18	32
154	150	Guinea	AF	24	3.6	18	30	12	40
177	173	South Sudan	AF	14	1.6	11	17	12	17
178	174	Sudan	ME	11	3.5	5	17	0	21
179	175	Afghanistan	AP	8	3.3	3	13	1	12
180	175	Korea (North)	AP	8	3.4	2	14	1	12
181	175	Somalia	AF	8	1.9	5	11	5	12

International Transparency, 2013

۱۰. ریشه ها و انگیزه های فساد مالی و اقتصادی با تأکید بر ایران^۱

ریشه فساد مالی، در فساد دولتی نهفته است که خود ناشی از دولت های بزرگ با قدرت زیاد برای توزیع منابع بین گروه های مختلف می باشد. با پایان جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای جهان سوم موفق به کسب استقلال سیاسی شدند، اما کشورهای توسعه یافته که دیگر توان حضور در این کشورها را نداشتند، کوشیدند تا با ترویج فساد و رشوه خواری و به قدرت رساندن حکام وابسته به خود در این کشورها، از موقعیت به نفع خود بهره برداری کنند و

۱. موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی، ریشه ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله، ج ۲، صص ۳۰-۱۵.

به این ترتیب، مشتریانی مطیع را به خدمت بگیرند. در سالهای اخیر این شیوه سنتی برقراری ارتباط با توجه به سابقه طولانی فساد مالی در کشورهای در حال توسعه، حیات سیاسی و اقتصادی را، هم در کشورهای توسعه یافته و هم، در کشورهای در حال توسعه به خطر انداخته است.

در کشورهای در حال گذار اقتصادی (از اقتصاد دستوری به بازار آزاد) فرصت های بی شماری برای دستیابی به ثروت های بادآورده (رانت های مختلف) ایجاد شده و شبکه های فساد سازمان یافته سابق، جای خود را به شبکه های فساد آشفته داده است. با تفویض اختیار تخصیص و تفسیر این منابع به مقامات و مأموران دولتی، بازار فساد و رشوه رونق می یابد. اگرچه فساد مالی در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز وجود دارد، اما در بعضی از کشورهای در حال توسعه که ساختارهای سست دارند به مراتب زیانبارتر است. زیرا اثرات مخربی بر حقوق مالکیت، قوانین و انگیزه های سرمایه گذاری دارد.

فساد مالی در کشور، در زمان های گذشته به شدت شیوع داشته و بویژه پادشاهان به آن آلوده بودند و پست ها با رشوه های کلان خرید و فروش می شد (ر. ک: دادگر). مفاسد مالی در زمان پهلوی ها نیز به شدت رواج داشت، به طوری که به صورت مسأله ای ملی موضوعیت یافته بود و در آن زمان، دولت با فساد در حال همزیستی به سر می برد (نجاتی، ۱۳۷۷).

با پیروزی انقلاب اسلامی، فساد مالی خود به خود به حداقل رسید؛ چرا که عاملان آن مجال جولان نیافتند؛ ولی متأسفانه رفته رفته ارزش های اوایل انقلاب کمرنگ تر شد و ما امروزه نمونه هایی از مصادیق فساد مالی را در کشور می بینیم (دادگر، در دست چاپ: فصل اول). آنچه امروزه تحت عناوین، محاکمه مفسدان مالی در بخش های دولتی و غیر دولتی در کشور به گوش می رسد، می تواند به عزم ملی خدشه وارد کند و از اعتماد عمومی بکاهد.

به هر حال، وجود و گسترش فساد مالی، حتی در حجم کوچک، برای کشور اسلامی ایران قابل توجه نیست و نمی توان حدی از آن را برای کشور تجویز کرد (hawzah.net).

مطالعات انجام شده در ایران و اخبار روزمره رسانه ها، حاکی از شیوع وسیع و گسترده این بیماری می باشد. براساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط سازمان مدیریت صنعتی در مورد موانع سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران، مهمترین موانع در این مورد، وجود رشوه در نظام اداری، مبهم بودن حقوق مالکیت و نظام حقوقی ناکارآمد تشخیص داده شده است. براساس این مطالعه، در میان ۵۴ کشور مورد بررسی جهان، وجود رشوه در دستگاه های دولتی ایران (با رتبه ۱/۶۴ از ۷) شدیدتر و بیشتر از سایر کشورها بوده است. در این مقایسه، امتیاز

یک نشان‌دهنده مانع شدید و امتیاز ۷ بیانگر نبودن مانع می‌باشد. در حال حاضر کشور ما با اختلاس در نظام اداری و مالی خود مواجه است که در تمامی بخش‌ها نیز گسترده شده است. در ایران نیز فساد مالی و اقتصادی در تمامی اشکال آن از جمله رشوه‌خواری، اختلاس، احتکار، اخاذی، قاچاق، آشنا (پارتی) بازی و گروه‌بازی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. امروزه مفاسد مالی و اقتصادی در اعماق وجود اکثر سازمان‌ها، نهادها، بنیادها، ادارات، وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، بانک‌ها، مؤسسات خیریه و امور عام المنفعه و تعاونی‌ها ریشه دوانده است. مباحثی مانند اختلاس و حیف و میل اموال عمومی و بیت‌المال، غارت ثروت‌های ملی و جا به جا کردن آنها، رواج رشوه‌خواری و پارتی‌بازی، سلطه قاچاق سازمان یافته بر سرنوشت اقتصاد کشور، انبوه خریدهای خارجی توسط سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و عمومی به جای استفاده از امکانات داخلی، با انگیزه گرفتن پورسانت‌های کلان، واگذاری‌های مشکوک، ایجاد شرکت‌های خصوصی توسط مدیران دولتی و سرازیر کردن امکانات و وجوه دولتی به این شرکت‌ها، سفرهای خارجی بی‌ثمر و پرهزینه، دادن مجوزها به آشنایان و زندگی‌های تجملی-برخی مسؤولان، به بحث‌های عادی مردم تبدیل شده است.

زمینه‌های اجتماعی فساد: بروز و گسترش مفاسد مالی در هر جامعه مستلزم فراهم بودن برخی زمینه‌های اجتماعی است و هرگونه ریشه‌یابی علل آن، بدون در نظر گرفتن بسترهای اجتماعی که فساد در آنها رخ می‌دهد، گمراه‌کننده است. به عنوان مثال اگرچه فقر یکی از عوامل مؤثر بر بروز فساد است، اما در هر جامعه در هر شرایطی فقر باعث بروز فساد نمی‌شود. اما در صورت وجود نابرابری در جامعه حتی وقتی که وضع همه اقشار رو به بهبود است، زمانی که افراد خود را با دیگران مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت نسبی به آنها دست می‌دهد که نقش مهمی در بروز فساد بویژه در ثروتمندان دارد.

بروز رانت‌خواری، انحصارطلبی و در پی آن مفاسد مالی و اقتصادی بویژه در سطح مدیران و افراد قدرتمند جامعه، یکی از جدی‌ترین معضلات کنونی کشور می‌باشد که عده‌ای از افراد از طریق آن به ثروتهای کلان و درآمدهای بادآورده‌ای دست یافته‌اند. یک ساختار ناسالم اقتصادی مبتنی بر رانت به بعضی از افراد سودجو و فرصت‌طلب این امکان را می‌دهد که با بهره‌گیری از روابط خاص و سوء استفاده از قدرت و موقعیت خود و وابستگان صاحب نفوذشان به بهره‌برداری از امکانات و امتیازات اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی و رفاهی جامعه بپردازند. به جرأت می‌توان ادعا نمود که تمامی انواع ممکن این رانت در کشور ما رواج و به تبع آن انواع

روش‌های رانت‌جویی و گروه‌های مختلفی از رانت‌خواران در جامعه وجود دارد. البته در بسیاری از موارد نیز رانت‌های سیاسی و اجتماعی با رانت‌های اقتصادی، علت و معلول یکدیگرند. تحلیل عاملی اکتشافی: در تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پنج گروه عوامل تأثیرگذار بر فساد مالی عبارتند از: ۱- قانون‌گریزی مدیران؛ ۲- عدم پاسخ‌گویی و نظارت ضعیف؛ ۳- ضعف سیستم ارزیابی عملکرد؛ ۴- بوروکراسی زائد بخش دولتی؛ و ۵- ناکارآمدی سیستم نگهداری. این عوامل در مجموع ۵۵/۶۷ درصد از تغییر پذیری در متغیر فساد مالی در میان کارکنان بخش دولتی ایران را تبیین می‌کنند که در نوع خود مدل مطلوبی در تبیین شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ی فساد مالی در میان کارکنان دولتی محسوب می‌شود (ره‌نورد و همکاران، ۱۳۸۹).

نقش مسلط دولت در اقتصاد: بیشتر رانت‌ها در کشور، نتیجه نقش مسلط دولت در اقتصاد است که طی چند دهه گذشته نه تنها کسب درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت، توسعه کشور را به همراه نداشته است بلکه با توجه به نحوه هزینه کردن آنها، توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها در جامعه نیز میسر نگردید و با افزایش درآمدهای نفتی که مالکیت و اختیار هزینه کردن آن در دست دولت بود، دولت نقش فعال‌تری را در اقتصاد کشور ایفا نمود و با تزریق دلارهای بیشتر^۱ به تدریج دامنه فعالیت‌های اقتصادی خود را با در اختیار گرفتن بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی موجود و ایجاد شرکت‌ها و مؤسسات جدید، به اموری گسترش داد که ارتباطی به دولت نداشتند. در این روند دولت به جای ارائه کالاها و خدمات عمومی و بسترسازی برای رشد فعالیت‌های بخش خصوصی، تولید و ارائه بسیاری از کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه را رأساً در دست گرفت و به رقابت با بخش خصوصی و ایجاد موانع برای فعالیت‌های آن پرداخت و این بخش را هر چه بیشتر به سمت فعالیت‌های غیرمولد و تجاری سوق داد. با سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و اجرای سیاست‌های قیمت‌گذاری و سهمیه‌بندی توسط دولت، امکان انتقال بخش اعظم ثروت‌های جامعه به گروهی اندک فراهم شد و بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی کشور یا از طریق تعلق گرفتن

۱. بررسی‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که اقتصاد هر کشوری، ظرفیت جذب مقدار معینی پول ملی (نقدینگی) و پول خارجی (ارز) دارد و اگر نقدینگی و ارزهای خارجی بیش از ظرفیت، وارد اقتصاد داخلی شود، علاوه بر تورم، به فساد گسترده مالی می‌انجامد. در مورد کشورمان در دهه ۱۳۷۰ مطالعه‌ای انجام شده که در آن زمان این مقدار ارز را حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار برآورد نموده است و بررسی‌های جدیدی لازم است تا قدرت جذب فعلی ارز را در اقتصاد نشان دهد. به نظرمی رسد دلارهای انبوه نفتی (قریب به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال) در سالهای گذشته، احتمال فساد مالی را بسیار افزایش داده است.

سهیمه‌های ارزی و کالایی و برخورداری از تسهیلات بانکی و مجوزها و امتیازات ویژه به جیب رانت‌خواران سرازیر شده و یا به شکل هزینه‌های یک سیستم ناکارآمد دولتی در حال اتلاف می‌باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

با وجود توجه گسترده و تأسیس و گسترش نهادهای بسیار با مأموریت مبارزه با فساد مالی و تخصیص منابع و بودجه‌های کلان به این امر، شاهد شیوع روزافزون این عارضه تقریباً در تمامی تار و پود نظام اسلامی هستیم و این معضل، ریشه‌ها و انگیزه‌های بسیاری دارد که می‌توان در شکل‌گیری و شیوع مفاسد مالی در کشور آنها را بر شمرد؛ اما همه این علل و عوامل را- اگرچه مهیوشانی دارند- در قالب علل عمده حاکمیتی، حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان دسته بندی کرد که به صورت جزئی تر، اهم آنها که ابعاد فوق را پوشش می‌دهد، عبارتند از:

دلایل حاکمیتی

- تاریخ بلند استبداد که با فساد عجین بوده و نتیجه، آنکه دولت فاسد، ملت (رعیت) فاسد بار می‌آورد؛

- شکل‌گیری دولت رانتی با در اختیار گرفتن رانت آب در طول تاریخ و رانت نفت بویژه پس از ملی شدن صنعت نفت؛

- دولت بزرگ، قدرتمند، انحصارگر و دخالتگر که برخی تولید و مصرف‌کنندگان می‌کوشند به حکومت نزدیک شده و از موقعیت و امتیازات دولتی سوءاستفاده کنند؛

- دولت نفوذهای ناهمگن و اختلاف بین مسئولان و شخصیت‌های سیاسی- اجتماعی و نداشتن تابع هدف واحد؛

- حضور نظامیان و شبه نظامیان به عنوان اقشار پیشتاز، در همه عرصه ها از جمله اقتصاد؛ با نظارت ضعیف؛

- ساختار معیوب پیکره دولت و حاکمیت و نیز شفاف نبودن سیاست ها و فعالیت ها و پاسخگو نبودن دولت؛

- نظام اداری ناکارآمد فسادآلود که می‌خواهد با فساد مبارزه و توسعه ایجاد کند!

دلایل حقوقی (قضایی و قانونی)

- نظام مبتنی بر صدور مجوز برای فعالیت‌های رانتی توسط ارگان‌های ذی‌ربط به افراد خاص؛

- تحریم‌ها بویژه نفتی و دور زدن آنها که به دلیل عدم شفافیت، پتانسیل زیادی برای فساد داشته است؛^۱
- انجام برخی معاملات دولتی در شرایط غیررقابتی و بدون برگزاری مناقصه، حراج، مزایده رسمی و واگذاری غیرشفاف؛
- دستیابی زود هنگام برخی اشخاص به اطلاعات مالی و اقتصادی مربوط به شرکت‌ها و یا سیاست‌های اتخاذ شده دولت؛
- ضعف قوانین، مقررات و مصوبات پرشمار و بدون اثربخشی؛
- ضعف کنترل‌های بیرونی و ناکارآمدی نهادهای نظارت و بازرسی عریض و طویل و سیستم حسابرسی نارسا و طولانی شدن فرایند پیگیری^۲ و رها شدن برخی از آنها پس از گذشت زمان؛
- نارسایی در نظارت عمومی و شراکت برخی نمایندگان مردم در رانت‌های قانونی؛^۳
- مصادره‌ها و ملی شدن‌های بعضاً بی رویه و واگذاری‌های شتابزده در چارچوب اصل ۴۴؛

۱۱. دلایل فرهنگی

- تغییر ارزش‌ها، افزایش نیازها و فردگرایی افراطی و رفاه زدگی اقشاری از مردم؛
- ضعف باورهای مذهبی و کنترل‌های درونی که به رغم اهداف، پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترده‌تر شده؛
- تضعیف مراجع اجتماعی بویژه مراجع تقلید که بعضاً خود نیز عامل آن بودند که با قدرت درآمیختند؛ مراجعی که از محورهای هویت جمعی و منبع الهام و هنجارها بودند؛

۱. یکی از شیوه‌هایی که در دولت نهم و دهم سبب فساد و رانت شد، شیوه‌های تهاوری بود که به دلیل شرایط تحریم‌ها بر اقتصاد کشور تحمیل شد. وقتی افراد خود را از قوانین بالاتر می‌بینند، به راحتی قوانین را دور می‌زنند و هیچ ارزشی برای اجرایی کردن قوانین قائل نیستند که در آن صورت، باید منتظر باشیم تا رانت و فساد بروز کند (تاجگردون، ۱۳۹۲). بخش اعظمی از مفسدان مالی در فرایند دور زدن تحریم‌ها دچار فساد شده‌اند.

۲. زمان بررسی پرونده‌های فساد مالی، ۲ تا ۳ و گاه تا ۵ سال به طول می‌انجامد؛ که سبب می‌شود که هم جامعه حساسیت خود را نسبت به آن از دست بدهد و موضوع کم‌کم فراموش شود و هم با توجه به شرایط اقتصادی کشور، بعد از گذشت مدت زمانی از آن و بروز فسادهای دیگر و احیاناً بزرگتر، دیگر ابعاد آن ضربه اقتصادی به کشور، چندان بزرگ به نظر نیاید.

۳. در بعد نظارت، از آنجایی که نهادهای نظارتی، خود از این رانت استفاده می‌کنند، چندان نمی‌توان امیدوار بود که عزم جدی برای مقابله با پدیده رانت قانونی در کشور وجود داشته باشد. امروزه شاهد هستیم تمام بخش‌ها و نهادها از جمله نهادهای نظارتی، تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری از این رانت قانونی را به خود اختصاص دهند و طبیعتاً ناظران هم نمی‌توانند به طور که شایسته به وظایف خود عمل کنند (عزتی، ۱۳۹۲).

- نگاه فقهی صرف به اقتصاد بدون رعایت عدالت و اخلاق مانند تعیین نرخ بهره بسیار پایین تر از نرخ تورم؛
- ملاک شدن تعهد و تخصص که برای تعهد، معیار ارزیابی بیرونی وجود ندارد و فاسدان دو رو مجال می یابند؛^۱
- انتصاب مدیران با ملاحظات ایدئولوژیک، سببی و نسبی و آشنا بازی؛^۲
- دلایل اجتماعی
- از بین رفتن هویت های قبیله ای و عدم جایگزینی «ملت» به جای آن و در نتیجه، تضعیف همبستگی و هنجارهای عمومی؛
- مطبوعات، جنبش دانشجویی، سازمان های مردم نهاد و جامعه مدنی ضعیف؛
- کاهش سطح سرمایه اجتماعی تعمیم یافته (افول اعتماد عمومی)؛
- دلایل اقتصادی
- فقدان بازار مدیران و چرخش آنان بر اساس شایستگی (تخصص، تجربه و توانایی) و در چارچوب رقابت سالم؛
- فقر، نابرابری، تبعیض، تورم و بیکاری گسترده و مزمن و نامناسب بودن امنیت شغلی؛
- دو نرخی بودن برخی کالاها و خدمات بویژه تفاوت نرخ اعتبارات بانکی و نرخ بهره پول و نرخ ارز؛
- پایین بودن سطح حقوق و دستمزدها در بخش دولتی، باعث کاهش ریسک و هزینه فساد (مثلاً اخراج)؛
- به هم ریختن استانداردها و نهادهای مرتبط مهم مانند سازمان برنامه، قانون برنامه چهارم و سند چشم انداز؛
- نتیجه
- تولید انبوه فساد ساختاری و سیستماتیک (با استفاده از: ربیعی، ۱۳۸۳ و صادقی و همکاران، ۱۳۸۹)؛

۱. در دو ملاک ذکر شده، تعهد در اولویت قرار گرفت و بیشتر افرادی که امروزه به عنوان فاسدان مالی از آنها یاد می شود، ظاهراً در زمره متعهدان بودند.

۲. نیروهایی که با رابطه و نه ضابطه و طی کردن سلسله مراتب و تنها به دلیل ارتباطهایی که با ساخت قدرت دارند، در پست های کلیدی منصوب می شوند، از مصادیق زمینه ساز فساد می باشد. به طور مثال ابتدا باید به یک مدیر اجازه داد تا اجازه امضای ۱۰ و بعد ۱۰۰ میلیون تومانی و بعد به وی اختیار امضای مقادیر بالاتر تا صدها میلیارد تومان داده شود و در واقع، این افراد به صورت آسانسوری در ساخت قدرت جا به جا می شوند (تاجگردون، ۱۳۹۲).

۱۲. فساد مالی از دیدگاه اسلام

یکی از مبانی در آموزه های اسلامی مبارزه با پدیده رشوه است. در اسلام رشوه دهنده و رشوه گیرنده به شدت محکوم شده و امکاناتی که از این راه تحصیل می شود، ناروا و از نظر شرعی حرام است. رشوه خواری سبب می شود قوانینی - که قاعدتاً باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد - به سود طبقات نیرومند - که باید قانون آنها را محدود کند - به کار بیفتد؛ زیرا قدرتمندان، قادرند از منافع خویش دفاع کنند، و می باید حقوق ضعیف در پناه قانون حفظ شود. اگر باب رشوه گشوده شود، قوانین نتیجه معکوس خواهد داد، زیرا اقویا که قدرت پرداخت رشوه دارند، قوانین را به خدمت خود درمی آورند و به همین جهت، در اسلام رشوه خواری با شدت هر چه تمامتر محکوم و از گناهان کبیره محسوب می شود.

در نهج البلاغه در ماجرای هدیه آوردن " اشعث بن قیس " آمده که او برای غلبه بر طرف دعوای خود در محکمه علی (ع) متوسل به رشوه شد و ظرفی پر از حلوا را شبانه به در خانه علی (ع) آورد و نام آن را هدیه گذاشت. علی (ع) بر آشفت و فرمود: «سوگواران بر عزایت اشک بریزند، آمده ای مرا فریب دهی و از اعمال حق باز داری؟ ... به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان های آنها است به من دهند که پوست جوی را از دهان مورچه ای به ظلم بگیرم، هرگز نخواهم کرد، دنیای شما از برگ جویده ای در دهان ملخ برای من کم ارزش تر است؛ علی را با نعمتهای فانی و لذتهای زودگذر چه کار؟»^۱.

اسلام رشوه را در هر شکلی محکوم کرده است. در تاریخ زندگی پیامبر (ص) آمده که: به او خبر دادند یکی از فرمانداران رشوه ای در شکل هدیه پذیرفته، حضرت بر آشفت و به او فرمود چرا آنچه حق تو نیست می گیری؟^۲ او در پاسخ گفت آنچه گرفتم هدیه بود ای پیامبر.^۳ پیامبر (ص) فرمود اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشی، آیا مردم به شما هدیه می دهند؟^۴ سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد.^۵

۱. هبلتک الیهول اعن دین الله اتیتنی لتخدعنی؟ ... و الله لو اعطیت الاقالیم السبعه بما تحت افلاکها علی ان اعصی الله فی نملۃ اسلبها جلب شعیره ما فعلته و ان دنیاکم عندی لاهون من ورقه فی فم جراده تقضمها ما لعلی و لنعمیم یفنی و لذه لاتبقى (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

۲. کیف تاخذ ما لیس لک بحق؟

۳. لقد کانت هدیه یا رسول الله

۴. رأیت لو قعد احدکم فی داره و لم نوله عملاً کان الناس یهدونه شیئاً؟

۵. الامام علی (ع)، ج. اول، ص. ۱۵۵.

در حدیثی از رسول خدا نقل شده که خداوند گیرنده و دهنده رشوه و واسطه آن را از رحمت خود دور گرداند.^۱ و امام صادق (ع) درباره آن فرموده: رشوه در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است.^۲ در اسلام حتی برای اینکه قاضی، وسوسه رشوه نشود، قاضی نباید شخصاً به بازار برود، مبدا تخفیف قیمت ها ناخودآگاه روی قاضی تأثیر گذارد و در قضاوت جانبداری کند.

در آیات قرآن، فساد در مقابل اصلاح آمده است. در این چهارچوب، مفاسد مالی اعمالی هستند که بر خلاف آموزه های دینی بوده، در حوزه اقتصاد، مانع تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی اند. اصیل ترین علت بروز و شیوع مفاسد مالی در جامعه، به کار نبستن دستورات الهی و به حاشیه راندن دین است. چنانچه در قرآن می خوانیم: و شما مسلمانان اگر آنچه را که خداوند دستور داده به کار نیندید، فتنه و فساد بزرگ، زمین را فرا خواهد گرفت (انفال ۸): (۷۳).

به طور خلاصه، اهم علل شکل گیری، بروز و شیوع مفاسد مالی را از نظر اسلام می توان چنین بیان کرد:

- هوای نفس (مؤمنون ۲۳): (۷۱) و عدم رعایت اوامر الهی (بقره ۲): (۲۷)؛ بی توجهی به معاد (یونس ۱۰): (۴۰)؛
- کفران نعمت (المدثر ۷۴): (۱۵) و عدم رعایت حقوق دیگران (هود ۱۱): (۸۵)
- ضعف تدبیر مدیران (یوسف ۱۲): (۷۳) و حکومت ظالم (نمل ۲۷): (۳۴)؛
- نبود فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (هود ۱۱): (۱۱۶)؛
- ترس از به خطر افتادن موقعیت و قدرت حاکمان خاطی و ناصالح (غافر ۴۰): (۲۶) (با استفاده از: hawzah.net).

۱۳. پیامدهای فساد مالی از نظر اسلام

اهم آثار و پیامدهای فساد مالی و گسترش مفاسد مالی در جامعه از نظر اسلام به صورت فهرست وار:

- تخریب عمران و آبادانی کشور و از بین رفتن نظم عمومی (بقره ۲): (۲۰۵)؛ اعراف (۷): (۵۶)؛
- در امان نبودن مردم درست کردار و جامعه (کهف ۱۸): (۹۴)؛
- نداشتن آسایش در دنیا و آخرت (عنکبوت ۲۹): (۳۶).

۱. لعن الله الراشی و المرتشی و الماشی بینهما (بحار الانوار، جلد ۱۰۱).

۲. اما الرشأ فی الحکم فهو الکفر بالله العظیم (وسائل الشیعه، جلد ۱۲).

- رواج تبعیض طبقاتی (بقره (۲): ۳۰؛ و فقر (بقره (۲): ۲۲۰؛ و پایمال کردن حقوق ضعفا (مائده (۵): ۶۴)؛

اگر فساد مالی در جامعه سیطره یابد، وحدت جامعه که پشتوانه حکومت دینی است، از بین می رود و اخلاق اجتماعی و فردی و ریشه های اعتماد در هم می ریزد و تضاد اجتماعی جایگزین وحدت می شود. اسلام، از طرفی، با بیان عاقبت پیشینیان فاسد، مردم و حکومت های اسلامی را بارها به درس گرفتن از عقوبت آنها سفارش می کند. گاهی این اعمال، حرام معرفی، و گاهی گناهی بزرگ یاد و مرتکبان مورد لعن خداوند قرار گرفته اند و حتی اعمال فاسد در حد کفر تلقی شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶ و نامه ۵۳؛ بحار، ج ۲۳: ۱۰ و ۱۴؛ وسایل، ج ۱۲). نتیجه اینکه مصادیق فساد مالی در آیات و روایات به شکل های گوناگونی بیان شده اند و همگی آنها بر گناه بودن چنین اعمالی تأکید دارند. نگرش اسلامی، همگی بر حرمت فعالیت های فساد آلود تأکید دارند (hawzah.net).

۱۴. راه حل های مبارزه با فساد مالی از دیدگاه اسلام

تقوا و خودکنترلی: اسلام بر دو نوع از عوامل اساسی در امر مبارزه با معضل فساد مالی تأکید دارد: عوامل درونی و عوامل بیرونی. عوامل باز دارنده درونی (خودکنترلی) در نهاد فرد قرار دارد و بر روی انگیزه ها و رفتارهای او تأثیر می گذارد. خودکنترلی، به معنای نظارت و مواظبت فرد بر اعمال و رفتار خویش، و در نتیجه انجام وظایف به نحو مطلوب و پرهیز از انحراف و تخلف است (غررالحکم، حدیث ۲۴۲۹). در ادبیات قرآنی، خودکنترلی با «تقوا» پیوندی ناگسستنی دارد. به تعبیر دیگر، نیروی کنترل درونی است که انسان را حفظ می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱).

اما بنیان چنین احساس مسؤولیتی، دو عامل است: ۱. یاد خدا؛ یعنی توجه به حضور و مراقبت دائمی خداوند در همه جا و همه حال؛ قرآن می فرماید: «آیا نمی دانید خداوند اعمال شما را می بیند؟»^۱. ۲. توجه به معاد. توجه به این دو اصل، سرلوحه برنامه های تربیتی و تأثیر آن در پاک سازی فرد و اجتماع، کاملاً چشمگیر است (همان، ج ۲۳).

این اعتقاد اگر ریشه بگیرد می تواند باعث تغییر بنیادی در بینش و منش افراد شود و زهد و قناعت، پرهیز از دنیا زدگی، بر حذر بودن از تمرکز ثروت و بسیاری از مصادیق فساد مالی را در پی داشته باشد.

۱. اَلَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللّٰهَ یَرٰی (علق، ۱۴).

تقوا دارای شاخه‌های گوناگون از جمله تقوای مالی و اقتصادی، و در اینجا تقوای کاری موردنظر است، که معادل خویش‌داری است؛ یعنی کنترل خویش هنگام انجام کار، و پرهیز از روابط سوء اجتماعی با دیگران. امام علی(ع) کارگزاران خود را به‌طور ویژه به رعایت تقوا سفارش می‌کند، که کارگزار موظف به خودکنترلی در همه کارها، بویژه در امر حکومت و مدیریت است؛ اگرچه این سفارش‌ها، در شکلی دیگر، همه افراد و عرصه‌ها را فرا می‌گیرد.

با مراجعه به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم که بالاترین شکل پاسخ‌گویی، پاسخ‌گویی‌ای است که از درون افراد ناشی می‌شود، نه از بیرون و جامعه. برای رسیدن به این نوع از پاسخ‌گویی درونی، باید جهان‌بینی افراد را توسعه داد؛ تا جایی که از مرز زندگی این‌دنیایی بگذرد و زندگی اخروی و جاودانی را نیز شامل شود. آموزه‌های اسلامی، راهنمای انسانها در تمامی ابعاد زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و... است و در ترغیب انسانها به انجام کارهای پسندیده و روی‌گردانی از کارهای ناپسند بسیار قوی‌تر و نیرومندتر از هر جهان‌بینی غیردینی می‌باشد.

در میان باورها، ایمان به معاد، عاملی بسیار قوی در پایبندی به ارزش‌ها، و در نتیجه خودکنترلی است. اعتقاد به معاد، مسؤولیت‌آفرین است؛ تقوا را پرورش می‌دهد و از آلوده شدن آنها به معصیت جلوگیری می‌کند (خدمتی و همکاران، ۱۳۸۱).

حضرت علی(ع) در مورد توجه به معاد می‌فرماید: «یاد مرگ از دل‌های شما رفته و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته است ... شما را چه شده است که با به دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان می‌شوید و از متاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید، اندوهگین نمی‌شوید»^۱. البته دین فقط به عوامل درونی بسنده نکرده و برای آنهایی که به ندای درونی خود توجهی ندارند، اهرم‌ها و ضمانت‌های کنترل بیرونی را قرار داده است.

وجود مراجع نظارتی قوی و دقیق: مهم‌ترین اصل در کاهش مفاسد مالی که از عوامل بیرونی به شمار می‌رود وجود مراجع نظارتی قوی در جامعه است. در جوامع اسلامی علاوه بر نظارت خداوند، مراجع نظارتی دیگر وجود دارد:

الف) نظارت حکومت: که فقط نظارت مستقیم نیست؛ بلکه نظارت بر تمام ارکان جامعه را به طور غیر مستقیم شامل می‌شود. کنترل و نظارت که یکی از وظایف اصلی حکومت و از ارکان

۱. قَدْ غَابَ عَنْ قُلُوبِكُمْ ذِكْرُ الْآخِلِ وَ حَضَرَتْكُمْ كَوَاذِبُ الْأَمَالِ فَصَارَتْ الدُّنْيَا أُمْلَكَ بَيْنَكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ وَ الْغَاجِلَةُ أَذْهَبَ بَيْنَكُمْ مِنَ الْآجِلَةِ ... مَا بَالُكُمْ تَفْرَحُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تُذَرُّ كَوْنَهُ وَ لَا يَحْزَنُكُمْ الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تُحْرَمُونَ (خطبه ۱۱۳).

اصلی مدیریت سالم و کارآمد به شمار می رود. حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: بدکار را به پاداش نیکوکار رنجه دار (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۸).

ب) نظارت همگانی: مردم، بهترین ناظر در جهت انجام درست امور هستند. کلیه افراد جامعه یا سازمان ها موظفند بر اساس وظیفه بر عملکرد دیگر اعضا و مدیران و نظارت داشته باشند؛ که همان امر به معروف و نهی از منکر است. تنبیه و تشویق نیز اهمیت دارد که باعث دلگرمی افراد صالح و کارآمد می شود و از طرفی، ترس و نگرانی فاسدان را در پی خواهد داشت. امر به معروف را به منزله یک نظارت اجتماعی، می توان چهار گونه دسته بندی کرد: نظارت مسؤولان بر مردم (از طریق اعمال قوانین و مقررات)، نظارت مردم بر مسؤولان (از طریق رسانه ها)، نظارت مردم بر مردم و نظارت مسؤولان بر مسؤولان.

در انجام وظیفه امر به معروف نسبت به مسؤولان، در نظام اسلامی، مردم دو وظیفه اساسی دارند: یکی مشورت دادن به مسؤولان است: «و شاورهم فی الأمر» و «أمرهم شوری بینهم»؛ نقش دوم در امور حکومتی نسبت به مسؤولان، مراقبت و پاسداری از اجرای قوانین است. مردم موظفاند که هر جا خللی در اجرای قانون ببینند، تذکر دهند و اگر مفید واقع نشد، اعتراض کنند. این وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است که خداوند در قرآن صریحاً به آن امر می کند (آل عمران: ۱۰۴).

اقدامات عملی و برنامه اصلاح: از جمله این اقدام ها: عزم بر استرداد اموال غارت شده از بیت المال، برنامه جدی برای اجرای عدالت در اجرای قوانین (مساوات در برابر قانون) و بهره برداری مساوی از بیت المال، الغای امتیازات نابه جا، مبارزه با بدعت ها و تحریف ها و انحراف ها، اتخاذ تدابیر حکیمانه برای امت.

برکناری و عزل کارگزاران: به کارگیری کارگزاران باکفایت از ضروریات در آموزه های اسلامی است. امام (ع) نیز تأکید کرده اند که: همانا بدترین همکاران تو، آنانی هستند که برای اشرار قبل از تو، وزیر بوده اند و در گناهان با آنان همکاری داشته اند.^۱ نشانه انحطاط دولت، افراد فرومایه و پست را مقدم داشتن، افراد بافضیلت را کنار زدن و ... (الحیاه، ج ۱).

مجازات مفسدان مالی: اسلام درباره مجازات مفسدان مالی، حدّ معینی قرار نداده و آن را جزو تعزیرات دانسته و بنا به تشخیص زمامدار است. حاکم می تواند مجازات های سختی را وضع کند. علی (ع) نیز پس از نظارت های گوناگون، خطاکار را به شدیدترین مجازات می رساند و در این زمینه به صراحت تأکید می کرد که با مفسدان مالی برخورد قاطع و صریح داشته باشند

۱. إِنَّ شَرَّ وَزَرَائِك مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزيراً (نامه ۵۳).

(نهج البلاغه: نامه ۵۳ و ۷۰؛ خطبه ۴۴ و حکمت ۴۷۶) که باعث عبرت شود. راه های مبارزه با شیوع مفاسد مالی از نظر اسلام، علاوه بر موارد فوق:

- تحکیم مبانی اعتقادی و ارزش های دینی؛
- لزوم پاسخگویی به مردم از سوی مسؤولان؛
- تلاش دولت در جهت تأمین رفاه و امنیت و تحکیم موقعیت کارگزاران؛
- لزوم ساده زیستی کارگزاران حکومتی جلوگیری از تمرکز ثروت (تعدیل ثروت) (با استفاده از: hawzah.net).

حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه می فرمایند: و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، او را کیفر کن و اموالی که در اختیار دارد از او باز پس گیر و او را خوار و خیانتهار شمار و طوق بدنامی به گردنش افکن.^۱

و در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر فرموده^۲: هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکار ساز و از بدگمانی نجاتشان ده که ریاضت خودسازی تو و مهربانی نسبت به رعیت است و این پوزش تو آنان را به حق وای دارد.

در میان حکومت‌ها، تاکنون حکومتی، مانند حکومت علی(ع) در امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده که از نامه‌ها و خطبه‌ها به والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی، توجه به تقوا و آخرت مشاهده می شود.

علی (ع) هیچگاه در انتصاب‌ها آشنایی را مدنظر قرار نمی‌داد و رضای خدا و مصلحت خلق را در نظر می‌گرفت. در اندیشه حضرت، هیچ خطری برای جامعه اسلامی بیش از بر سر کار آمدن افراد کم‌صلاحیت نبود و هنگام گماردن مالک به حکومت مصر، در نامه‌ای به مصریان چنین هشدار داد: من بیم دارم که نابخردان و نابکاران، زمام امور را به دست گیرند و مال خدا را دست‌به‌دست و بندگان او را بردگان خود و با صالحان به دشمنی برخیزند و با فاسقان دوستی کنند (نهج البلاغه، ص ۱۰۵۰).

مبارزه با انحصارگرایی‌ها و انحصارطلبی‌ها: به فرموده امام علی(ع): «هر کس به فرمان‌روایی رسد، انحصارطلبی پیشه کند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۰). اما علی(ع) در بیت

۱. وَ تَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنْ أَخَذَ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا أَخْبَارُ عُيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا- فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ فَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ (نامه ۵۳).

۲. وَ إِنْ ظَلَمْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بَعْدَكَ وَ اغْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِإِصْحَارِكَ فَإِنْ فِي بَلَدِكَ رِيَاضَةٌ مِنْكَ لِنَفْسِكَ وَ رَفْعًا مِنْكَ بِرَعِيَّتِكَ وَ إِغْذَارًا تُبْلَغُ فِيهِ حَاجَتُكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ (نامه ۵۳).

المال چیزی باقی نمی گذاشت (و همه را میان مردم تقسیم می کرد)، مگر آنچه را که در آن روز نمی توانست تقسیم کند؛ و می فرمود: «ای دنیا! دیگری را بفریب؛ و هیچ چیزی از فیء را به انحصار خود در نمی آورد و چیزی را به خویشاوندان و نزدیکانش اختصاص نمی داد (قرطبی، ۱۴۱۵، ج ۳).

در توجه در گماردن افراد حضرت می فرماید: «اطرافیان خود را از نیکان برگزین و کسانی که امتیازخواه و متجاوز و فاقد انصافاند، از خود دور گردان و به احدی از کسان خود اجازه مده که ملکی را برای خویش گیرند» (دعائم الاسلام، ج ۱).

عدم تبعیض در برخورد با فساد: رسول خدا(ص) در مقابل تلاش عده ای برای جلوگیری از قطع دست زنی از اشراف که مرتکب سرقت شده بود، فرمود: «آنآنکه پیش از شما بودند، تنها به سبب چنین تبعیض هایی هلاک شدند؛ زیرا حدود را بر ناتوانان اجرا می کردند و قدرتمندان را رها می ساختند. بنی اسرائیل به این سبب هلاک شدند که حدود را بر فرودستان اجرا و بزرگان را معاف می کردند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲). «به آن کس که جان محمد در دست اوست سوگند که اگر دخترم فاطمه نیز چنین کرده بود، دست او را قطع می کردم» (همان).

راهکارهای مربوط به نظام اداری سالم و کارآمد

شایسته سالاری و پرداخت حقوق مکفی: استخدام ها باید بر اساس دو معیار شایستگی و درستکاری باشد؛ آن گونه که در قرآن کریم آمده است: «قالت یا أبت استأجره ان خیر من استأجرت القوی الامین»؛ از زبان دختران شعیب خطاب به پدر در استخدام شبان به حضرت موسی می گوید: «او را به خدمت بگیر؛ زیرا قوی (شایسته) و درستکار است» (قصص: ۲۶).

پرداختی مستخدمان دولتی نیز باید مکفی باشد تا کمتر در معرض وسوسه قرار بگیرند (رضائیان، ۱۳۸۵). از این رو، فقر در دین همسایه کفر معرفی شده است؛ نبی اکرم(ص) می فرماید: «کاد الفقر أن یكون کفرأ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۸).

علی (ع) تأمین زندگی کارکنان را از وظایف سازمان می داند و به مالک اشتر می فرماید: «ثم أسبغ علیهم الارزاق؛ فإن ذلک قوت لهم علی استصلاح أنفسهم غنی لهم عن تناول ما تحت ایدیهم، و حجه علیهم إن خالفو أمرک أو ثلموا امانتک» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (با استفاده از: حسنی و همکار، ۱۳۹۱).

گزارش مآلوق به مردم و بیان نیازها بدون لکننت: معادل امروزی این گزارش ها، شفافیت می باشد که عبارت است از آشکار بودن مبنای تصمیمات حکومتی که به عنوان مؤثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری، به کار می رود.

این مقوله مورد تأکید آموزه های دینی است. اسلام که حکومت را امانت می داند، نظارت بر چگونگی عملکردها و ضرورت پاسخ گوئی را از مسلمات به شمار می آورد. به همین علت امام علی (ع) خطاب به مالک، می فرماید: برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن، فارغ از هر کاری به آنان بپرداز. برای دیدار با ایشان به صورت عمومی عمل کن؛ مجلسی که همگان بتوانند به آن وارد شوند. و برای خدایی که آفریدگار توسست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران به یک سو شوند تا بی هراس و بی لکننت زبان، سخن بگویند؛ که من از رسول الله (ص) بارها شنیدم که می گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن، زبردست نتواند بدون لکننت زبان، حق خود را از قوی دست بستاند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

افشای خطاکاری ها: امروزه رسانه های آزاد خطاکاری ها و سوء عملکردها را افشا می کنند. چنان که قرآن کریم یادآوری می کند: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱). و نیز «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...» (حج: ۴۰).

نظام تربیتی اخلاقی: در اسلام بر نظام آموزشی و تربیتی، بسیار سفارش شده که در آن بیشتر بر هدایت صحیح استعدادهای انسانی جهت خیر، صلاح، صداقت، یک رویی، وفای به عهد و گسترش اخلاق تأکید رفته است.

۱۳. راه حل های مدیریت (کنترل و کاهش) فساد مالی

علاوه بر موارد فوق که از آموزه های دینی بررسی شده در مقاله استخراج گردیده، موارد زیر نیز از یافته های مقاله برگرفته شده است (با نگاهی به: طبیبیان و حبیبی، ۱۳۷۴ ربیع، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳؛ خضری، ۱۳۸۱؛ راغفر، ۱۳۸۲ و مؤمنی، ۱۳۹۲ Yousif Khalifa, 2003 :hawzah.net).

اولویت سیاستگذاری ها: در بحث های مبارزه با فساد، ابتدا می باید گلوگاه ها و بخش پیشتاز تولید فساد را محور قرار داد و در موضوع تقدم توسعه سیاسی و یا اقتصادی، باید گفت کشور هایی که از منابع رانته بی بهره اند، ابتدا لازم است توسعه اقتصادی اتفاق بیفتد و از ارزش افزوده تولید، بتوان مالیات دریافت کرد و مخارج دولت را از محل آن تأمین نمود. در این صورت، دولت وامدار ملت، و در نتیجه مجبور به پاسخگویی خواهد بود و قدم اول توسعه سیاسی برداشته خواهد شد. اما در کشورهای دارای منابع رانته و دولت های مقتدر، ابتدا می باید مردم - به عنوان اولین گام توسعه سیاسی - قدرتمند شوند تا بتوانند درآمد منابع را در اختیار گیرند تا، انضباط دولت را تضمین نمایند. وگرنه، مشکلات همچنان تداوم می یابد. اگر در کوتاه مدت فرایند فوق مقدور نباشد، می باید تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور، بسیار آهسته و به طرح های عمرانی صنعتی، بهداشتی و آموزشی با عمر طولانی - برای رعایت عدالت بین نسلی - تخصیص یابد و یا در جهتی هزینه شود که به حمایت از بنگاه های تولیدی و صادرات بیانجامد. گام بعدی، استقلال بانک مرکزی از دولت و بویژه در سیاست خلق پول به صورت دستوری - برای تأمین کسر بودجه دولت - است. در مراحل بعدی و در بلند مدت، ضروری است بودجه دولت از منابع نفتی مستقل گردد.

تشکیل نهادهای مستقل مبارزه با فساد: ایجاد نهادی مستقل برای پیگیری راهبردها و نظارت مستمر. بسیاری از کشورها نهادهای مستقلی ایجاد کرده اند که وابستگی به قوه مجریه و حتی پلیس ندارند. وجود استقلال برای مبارزه با فساد سبب انباشت تجربه و تخصص های مورد نیاز شده و به مرور زمان کارایی در امر مبارزه با فساد افزایش می یابد و همچنین، جلوی اعمال نفوذ مسؤولان در تحقیقات را خواهد گرفت. بدون استقلال، مبارزه با فساد در رده های بالای دولت ناموفق خواهد بود.

نظارت های قانونی: هرگونه تدابیر نظارتی نیازمند اقدامات ذیل است: کادر اداری حرفه ای، کمیته های قومی، استقلال بودجه ای، توان قابل ملاحظه نظارت بوروکراتیک به داشتن نقش نهادی در تأیید انتصابات سیاسی.

ایجاد خطوط ارتباطی و حمایت از مخبران: کمک گرفتن از همکاران اداری خاطی، صاحبان کار و کسب و شهروندان در جهت دریافت گزارش از فساد، از طریق دایر کردن خطوط ارتباطی نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

قضات سالم مستقل: مبارزه با فساد نیازمند دست های پاک است. با دستگاه قضایی ناسالم، مبارزه با فساد، توهم است.

پاسخگویی و نظارت مدنی: نظارت جامعه مدنی به عنوان رابطی میان دولت و مردم نقش مهمی در تحدید فساد دارد. ۴ مولفه مؤثر در پاسخگویی سیاسی عبارتند از: رقابت سیاسی، تأمین اعتبار احزاب، شفافیت، قوانین و ابزارهای حقوقی.

اصلاحات اجتماعی به کمک افکار عمومی و رسانه و ارتقای فرهنگی: آغاز اصلاحات، اطلاعات جدیدی درباره هزینه و ریشه های فساد از طریق رسانه ها افشا کرده و فرهنگ عمومی را در مورد زیانهای ناشی از فساد- به عنوان یک ضد ارزش- و تقاضای تغییرات را ارتقا می دهد و ساختارها را در جهت تسهیل دیده بانی و حمایت جامعه مدنی مستحکم می کند.

طلب مساعدت از سازمان های مردم نهاد: سازمان های حمایتی مدنی، می توانند بخشی از وظیفه نظارت عمومی و مدنی را تحقق بخشند. این گونه سازمان ها، دولت را در مقابل گروه های فشار و ذی نفعان فاسد که دارای قدرت هستند، مدد می رسانند. اتخاذ رویکردهای مشارکت جویانه به سمت سازمان های مردم نهاد توصیه می شود.

برگزاری همایش و فرهنگ سازی: این گونه همایش ها، متشکل از بالاترین سطوح دولتی و جامعه مدنی نقش بسزایی در فرهنگ سازی و ایجاد عزم سیاسی در مبارزه با فساد دارد.

سیاست های اقتصادی: رقابتی کردن فرایند تهیه و توزیع کالا و خدمات بنگاه ها اعم از دولتی و خصوصی، دستمزد مناسب و تقویت انگیزه کاری، شفاف سازی فرایند تصمیم گیری و تخصیص منابع و مقررات، دسترسی عمومی به اطلاعات لازم و کوچک سازی دولت نیز ضروری است.

مقابله پلیسی: پس از ایجاد بسترهای مناسب و ایجاد نهادهای کنترل گر فساد، هیچ برنامه ضد فساد، بدون مقابله عملی و تنبیه مؤثر نخواهد بود. در مقابله پلیسی با فساد به نکاتی باید توجه کرد. مهار سرشاخه ها، اقدام به اصلاحات اداری و اتخاذ تدابیر مثبت به نفع کارمندان درستکار و در نهایت، اجتناب از برخورد های پلیسی و مدیریت و کنترل مفاسد.

همکاری‌های بین‌المللی: به دلیل فراتر رفتن مساله فساد از مرزهای ملی، پس از گذر از تحریم ها، یکی از اولویت ها، همکاری و تبادل اطلاعات فراملی در این زمینه است.

در جهت موفقیت فرایندهای فوق، موارد زیر نیز توصیه می شود:

- تنظیم راهبرد، شناخت و اولویت اشکال و ریشه های فساد به طور عام و نهادهای دولتی به طور خاص؛
- بررسی فرصت ها و محدودیت‌های مبارزه و تعیین راهکار های لازم؛ و اینکه فساد هیچگاه صفر نخواهد شد؛
- مبارزه می باید به عنوان یک فرایند دراز مدت و متکی به خواست، اراده و عزم سیاسی دولت و جامعه مدنی تلقی شود؛
- اگر مبارزه با فساد، به اولویت اصلی تمام مقامات کشور تبدیل نشود، مقابله، شکلی، مقطعی و برای رفع تکلیف است؛
- تا زمانی که نهادهایی فراتر از قانون و نظارت هستند، مبارزه با فساد، شعاری بیش نیست؛
- هرگاه محیط امنی برای فساد ایجاد شود، هر گروه ممکن است گرفتار شود و نباید جناحی و تسویه حسابی برخورد شود؛
- تا بودجه بر اساس نیازهای اصلی (کنترل تورم و بیکاری) تدوین نگردد، تغییر چندانی در این زمینه ایجاد نخواهد شد؛
- کاهش تصدی ها و دخالت گسترده دولت در اقتصاد و تبدیل دولت رانتهی به دولت مقتدر نظارتگر بر فعالیت های اقتصادی؛
- خصوصی سازی واقعی، اجتناب اکید از خصوصی سازی شرکت های دولتی و انتقال به مؤسسات عمومی و حاکمیتی^۱؛
- هرگونه برخورد با فساد بدون حرکت ریشه ای اقتصادی ناممکن؛ مانند مثلاً مقررات زدایی، در بخش های دولتی^۲؛

۱. چرا که شرکت های دولتی تا حدودی زیر نظارت و حسابرسی قرار دارند ولی مؤسسات حاکمیتی و غیر دولتی بعضاً آن اندازه هم پاسخگو نیستند.

۲. بویژه اصلاح فرایندها و فعالیت هایی که متضمن اختیارات، از جمله صدور مجوزها، محدودیت های مقداری (سهامیه ها)، کنترل قیمت ها، اعطای قراردادهای دولتی، دادن یارانه ها، اعطای تسهیلات و اعتبارات ارزان، معافیت های مالیاتی و ... هستند.

- درس گرفتن از تجربه ۲۵ ساله کشور و اصلاح بنیادی جهت گیری های تعدیل ساختاری و توزیع رانت و کنترل رویه های افراطی انبساط مالی، آزادسازی واردات و دستکاری قیمت های کلیدی؛
- رسیدگی به بهره وری در اقتصاد ملی و واگرایی میان بنیه تولید اقتصاد ملی و تمایلات مصرفی و جلوگیری از برداشت های بی رویه از صندوق توسعه ملی برای تخصیص به کالاهای مصرفی؛
- عدم تسامح در مبارزه با مفاسد، بویژه در زمانی که این مفسدان بر سر کار می باشند
- با ارتباطات فامیلی و پیچیدگی های زاید اداری- که نوعی همدستی با مفسدان است؛
- حذف تشکیلات موازی و بویژه تجارت موازی و منع دخالت مدیریت های دولتی در تجارت (از مهمترین عوامل اختلاس)؛
- امروزه سلامت نخبگان در برابر فساد یک عامل کلیدی است که مردمسالاری های صوری را از واقعی تفکیک می کند. نباید تصور شود سیاستمداران، صادق اند. کنترل رانت های کلان در سطوح عالی رتبه، کنترل فساد خرد را امکان پذیر می سازد.
- در نهایت، هیچ برنامه ای قبل از طرح ملی مبارزه با فساد، به صورت جدی و نه صوری موفق نخواهد بود. مبارزه، کاری گروهی است و راهبردهای ویژه مبارزه، در صورتی کامیاب خواهد بود که جامع، قاعده مند، سازمان یافته و با مشارکت همه نهادها اجرا شود. فساد مالی، از عوامل گوناگونی ناشی است و یک سیاست خاص فقط آن را تضعیف و حتی گاهی تشدید می کند. برای ریشه کنی آن، برنامه همه جانبه نیاز است که همگان به رعایت و انجام آن ملزم باشند.

جمع بندی و نتیجه گیری

در ابتدای دولت نهم، رئیس دیوان محاسبات (نهاد نظارتی) بیان کرد که این دولت پاک ترین دولت در تاریخ جمهوری اسلامی است و نیازی به نظارت ندارد!^۱ اما در عمل، همگان شاهد بودند که با توجه به ساختار و نیز- اصطلاحاً- چک سفیدی که نهاد نظارتی در اختیار دولت قرار داد، وضعیت چگونه شد تا جایی که صحبت از ناپدید شدن ۱۵۰ میلیارد دلار نفتی در ۸ سال (دو دولت) گذشته است^۲؛ چنانچه برخی نمایندگان مجلس میل وافی به ادغام در دولت

۱. اگر نهادهای نظارتی، کار خود را به موقع انجام می دادند، هرگز به این مرحله نمی رسیدیم.

۲. بنگرید به: «۱۵۰ میلیارد دلار نفتی گم شده است»؛ گفت و گو با فرشاد مؤمنی؛ چهل و چهارمین شماره ماهنامه سیاسی- فرهنگی نسیم بیداری، دی ۹۲.

داشتند و همراهی یک نهاد نظارتی با دولت، نتیجه ای جز آنچه شاهدش بودیم در پی ندارد. اگر نهادهای نظارتی، قانونگذاری، قضایی و مطبوعاتی در رادیو و تلویزیون حالت انتقادی سالم خود را به عنوان چشم بیدار ملت حفظ نکنند، شاهد فساد بیش از پیش در کشور خواهیم بود. از نظر اینکه کدامیک از نظریه های مرور شده در مقاله، می تواند وضعیت فساد در کشور را تبیین کند، باید گفت اغلب نظریاتی که در ابتدای این نوشتار مرور گردید، در بخش های مختلف کاربرد دارد که بحث مبسوط آن در اینجا مقدور نیست و به طور خلاصه می توان نتیجه گرفت که موارد زیر در کشورمان با شدت و ضعف در بخش ها قابل ردیابی است: نظر گری بکر مبنی بر احتمال محکومیت پایین و نیز تخفیف مجازات، منجر به افزایش در مطلوبیت انتظاری ناشی از جرم می شود و لذا جرایم بیشتری اتفاق می افتد.^۱

نتایج پژوهش های بسیار در سال های اخیر در زمینه اثرات فساد، استدلال های مکتب کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده و بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می کند، ولی با توجه به اینکه توسعه از نظر تصمیم گیران در سال های اخیر، لا اقل اولویت یکم نبوده^۲، مکتب کارآمدی فساد نیز می تواند توجیه شود. «نظریه کارکردگرایی ساختاری» که بیشتر به ساختارهای کلان جامعه و کیفیت کارکردهای آنها در بروز فساد می پردازد، و فساد افزایش یابنده را معلول عدم توسعه یافتگی نظام های سیاسی و اقتصادی می داند نیز در بخش هایی پاسخگو است. در سطح خرد و در قالب «نظریه عقلانیت فردی» معطوف به ویژگی های رفتاری و هنجاری کارگزاران حکومتی و غیر حکومتی مرتبط، که فساد به عنوان نتیجه محاسبات عقلانی هزینه ها و سودهای کارگزاران حکومتی تلقی می شوند که افراد تصمیم گیر، موجوداتی عقلانی هستند که می کوشند منافع حداکثری خود را از منابع کمیاب تحقق بخشند.

«رویکرد هزینه- فایده» که فایده یک اقدام را نسبت به هزینه آن بزرگتر ببینند، «رویکرد محرومیت نسبی» که افراد نسبت به داشته های خود احساس بی عدالتی کنند، «رویکرد رانت جویی» که امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم گیرندگان قرار می گیرد و قوانینی که با تصمیمات فردی، زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می کند، «رویکرد کارفرما- غیر کارگزار» که اجرای کارهای کلان به افراد خاصی واگذار می شود، و

۱. امروزه مجموع اختلاس های در حال پیگیری و دادرسی، حدود ۳ میلیارد دلار، و اگر رقم اختلاس فوق را بپذیریم، حدود ۲ درصد آن در حال رسیدگی است!

۲. با توجه به انحلال سازمان برنامه و بلا اثر شدن و سپس منتفی شدن برنامه چهارم توسعه و نیز برداشتن عنوان توسعه از برنامه پنجم کشور.

«رویکرد حامی- پیرو» که باندبازی در ساخت سیاسی، نوچه گرایی در انتصاب ها و گماردن پیروان در گلوگاه های تصمیم گیری را توضیح می دهد، به میزان قابل توجهی در سال های اخیر در کشور رایج بوده است.

این در حالی است که حتی امام علی (ع) کارگزاران خود را بری از فساد نمی دانست و به صورت علنی و مخفیانه بر اعمال آنان نظارت و در مواقع لازم آنان را به سختی توبیخ و برکنارشان می فرمود. برای نمونه در نامه به یکی از فرمانداران خیانتکار که در سال ۴۰ هجری به نقل طبری نوشته شده، می خوانیم: فَاتَّقِ اللَّهَ وَارْزُقْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ ... وَ اللَّهُ لَوَأَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَّةٌ وَ لَا ظَفِيرًا مِثِّي بِإِرَادَةٍ حَتَّى أَخْذَ الْحَقَّ مِنْهُمْ: پس از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان، ... سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو نمی رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

همچنین در نامه به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره (ابن عباس از طرف امام فرماندار بصره بود و بر حکومت اهواز و فارس و کرمان و دیگر نواحی ایران نظارت داشت): همانا من، براستی به خدا سوگند می خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی با درود (نهج البلاغه، نامه ۲۰).

و نیز نامه به اشعث ابن قیس فرماندار آذربایجان: همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، ... در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آنی تا آنها را [بی کم زیاد] به من بسپاری ... با درود (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اکبری، محمود (۱۳۷۶) اخلاق و احکام اداری؛ قم: شفق.
۴. استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور و برنار بولوک (۱۳۷۷) حقوق جزای عمومی؛ ترجمه حسن دادبان؛ دانشگاه علامه طباطبائی.

۵. بحار الانوار، جلد ۱۰۱، حدیث ۱۱.
۶. تانزی ویتو (۱۳۷۸) مسأله فساد، فعالیت های دولتی و آزاد؛ اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۹-۱۵۰.
۷. جولیوس گولد و ویلیام کوسب (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی؛ تهران: انتشارات مازیار.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعه؛ ۲۹ جلدی، قم: مؤسسه آل البيت.
۹. حسینی، علی و ع. شمس (۱۳۹۱) راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش های اسلامی؛ سال ۲، شماره ۱، پاییز و زمستان.
۱۰. خضری، محمد (۱۳۸۱) گزارش پژوهشی علل ایجاد و گسترش فساد در نظام بانکی کشور؛ انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. دادگر، حسن: فساد مالی: عوامل و راهکارهای خلاصی، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، (در دست چاپ).
۱۲. دادگر، یداله و نظری، روح اله (۱۳۸۸) بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان؛ اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره ۱۱-۱۲ (پیاپی ۲۶۴).
۱۳. دادگر، حسن (۱۳۸۲) رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور؛ اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، پاییز.
۱۴. دانش، تاج زمان (۱۳۸۰) کتاب مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟؛ تهران: انتشارات کیهان، چاپ نهم.
۱۵. دفتر بررسی های اقتصادی مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۷) بازشناسی مؤلفه های مؤثر بر اختلاس در ایران؛ مجلس و پژوهش، ش. ۲۵.
۱۶. راغفر، حسین (۱۳۹۲) فساد و ابعاد آن: <http://www.bashgah.net>
۱۷. راه حل های مبارزه با فساد مالی از نظر اسلام (۱۳۹۲): <http://www.edalatgolestan.ir>
۱۸. ربیعی، علی (۱۳۸۳) زنده باد فساد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. ربیعی، علی (۱۳۹۲) فساد و ابعاد آن: <http://www.bashgah.net>

۲۰. رهبر، فرهاد و همکاران (۱۳۷۴) بازشناسی عارضه فساد مالی؛ ج ۱، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۱. رهبر، فرهاد؛ فضل الله میرزاوند و غلامرضا زال پور (۱۳۸۱) بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه ها، پیامدها و آموزه های تجربی؛ جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۲. رهنورد، فرج اله؛ حبیب الله طاهرپورکلانتری و اعظم رشیدی (۱۳۸۹) شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه های اجرایی؛ پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۸).
۲۳. رویکردی اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور (۱۳۸۹): <http://www.hawzah.net>
۲۴. زاهدی شمس السادات (۱۳۷۵) نگرشی بر فساد و آثار آن؛ دانش مدیریت، دوره اول، شماره دوم، بهار.
۲۵. سمیعی، ح. (۱۳۴۸) حقوق جزا؛ انتشارات شرکت مطبوعات.
۲۶. صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۹) اقتصاد جرم؛ انتشارات نور علم.
۲۷. صادقی، حسین؛ عباس عساری و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۹) اندازه گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی
۲۸. صباحی، احمد و سعید ملک الساداتی (۱۳۸۸) اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی؛ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۵۳.
۲۹. طبیبیان، محمد و نادر حبیبی (۱۳۷۴) ایجاد انضباط مالی در بخش عمومی؛ مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه.
۳۰. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۴۳) حقوق جنایی؛ تهران: انتشارات رودکی.
۳۱. غلامرضا تاجگردون (۱۳۹۲) دلایل بروز فساد و رانت در اقتصاد کشور:
۳۲. فانی، اصغر و م. علیزاده ثانی (۱۳۸۶) تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع؛ فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، س. ۲، ش. ۱ و ۲.
۳۳. کافمن، دانیل (۱۳۷۷) فساد: واقعیت ها؛ ترجمه اکبر شکوهی؛ تحوّل اداری، دوره پنجم، شماره ۱۹، آذر.

۳۴. لوییس کوریر، پل، فساد و اخلاق، ترجمان اقتصادی، شماره ۴۹.
۳۵. لیلاز، سعید (۱۳۹۲) لزوم مبارزه با فساد فارغ از جناح بندی، آرمان امروز، ۸ دی ماه.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق) بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفا.
۳۷. مصدقیان، حسین علی (۱۳۸۹) بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه؛ فصلنامه پژوهش نامه اخلاق، ش. ۷ و ۸.
۳۸. مکارم شیرازی (۱۳۷۴) اقتراح؛ فلسفه و کلام؛ فصلنامه نقد و نظر، شماره ۵، زمستان.
۳۹. مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲) فساد مالی و اقتصادی، ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله؛ ج ۱ تا ۳.
۴۰. مومنی، فرشاد (۱۳۹۲) جذابیت های رانتی دفاع ایدئولوژیک از بازار آزاد.
۴۱. مومنی، فرشاد (۱۳۹۲) دوران رانتزایی و رانتجویی باید پایان یابد/راه ۲۵ سال گذشته راتکرار نکنیم: www.khabaronline.ir
۴۲. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷) تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران؛ ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۴۳. هیوود، پل (۱۳۸۱) فساد سیاسی، ترجمه محمد طاهری و بنی هاشمی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۴. کاکس، رابرت و همکاران (۱۳۸۲) دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی (مجموعه مقالات)؛ ترجمه حسین راغفر؛ نقش و نگار.
۴۵. وسائل الشیعه، جلد ۱۲، حدیث ۲، باب ۵.
46. Becker, Gary S. (1968) Crime and Punishment: An Economic Approach; Journal of Political Economy, University of Chicago Press, Vol. 76: 169.
47. <http://www.transparency.org>
48. <http://www.hawzah.net>
49. <http://www.bashgah.net>
50. <http://www.khabaronline.ir>
51. <http://www.khabaronline.ir>
52. <http://www.tahoorkotob.com/>
53. Huntington, S. P. (1968) Political order in changing societies; New Haven, Yale university press.

54. Islām va Pazhūheshhāye Modirīyatī, Vol.2. No.1, Fall & Winter 2012-13.
55. Robin, T. (1990) Corruption, Development, and Underdevelopment; Duke Uni. Press.
56. United Nations action against Corruption an Bribery,1990.